

## دولت حسن روحانی: در مسیر پیشبرد کدام برنامه‌ها؟ و سمت‌گیری به کدام سو؟

بدین معنی نیست که دولت دستگاه آشتی طبقات است. اگر آشتی طبقات ممکن بود دولت نمی‌توانست به‌وجود آید و نمی‌توانست پایدار بماند.

مقوله دولت و یا ماهیت هر دولت موجودی را نمی‌توان مورد ارزیابی قرار داد مگر اینکه آرایش طبقاتی جامعه‌ی که دولت بر آن استوار است مورد بررسی قرار داد. آرایش طبقاتی طبقه‌ها و قشرهای اجتماعی مانند هر پدیده‌ی

دولت، صرف نظر از ترکیب و سیاست و نحوه به قدرت رسیدن آن، خلق‌الساعه نیست، بلکه تبلور موازنه مشخص قدرت در کشور است. در تحلیل نهایی، موازنه نیروهای مؤثر و تعیین‌کننده در جامعه، ترکیب سیاسی مشخصی را به قدرت می‌رساند، و در نهایت اینکه، دولت از خارج به جامعه تحمیل نمی‌شود. همچنین، بر خلاف ادعای هگل، دولت "تحقق ایده اخلاق" و یا "جلوه تحقق عقل" نیست. دولت محصول عمل روندهای موجود در جامعه در مرحله معینی از تحول آن است. دولت محصول و مظهر آشتی‌ناپذیری تضادهای طبقاتی است. در آن جایی، در آن هنگامی، و به‌دلیلی که تضادهای طبقاتی به‌طور عینی نمی‌توانند آشتی پذیر باشند، دولت پدید می‌آید. اما این

ادامه در صفحات ۲ و ۳

### در این شماره

تخریب محیط زیست: عامل اصلی را  
کجا باید جست‌وجو کرد؟ در ص ۸  
«نظم نوین جهانی» و افول آن  
از رؤیا تا واقعیت در ص ۱۱  
پاسخ‌های جورج ماوریکوس، دبیر کل  
فدراسیون جهانی سندیکاهای  
کارگری، به پرسش‌های کمیته روابط  
سندیکایی ایران در ص ۱۶

وظیفه بی‌درنگ کنونی  
کارگران و زحمتکشان:  
شدت بخشیدن به مبارزه در  
راه احیای حقوق سندیکایی

در شرایطی که طبقه کارگر ایران برای حفاظت از دستاوردهایش و احیای حقوق سندیکایی‌اش درگیر مبارزه‌ی سرنوشت‌ساز با حکومت کلان‌سرمایه‌داران و سرمایه‌داری انگلی‌ست، نمایندگان به‌اصطلاح کارگری هر سه تشکل زرد و ارتجاعی حکومتی با "رای مطلق"شان به مزد ۹۳ در شورای عالی کار، همچون ابزاری در دست رژیم واپس‌گرایی ولایت فقیه برضد منافع طبقاتی کارگران انجام وظیفه کردند. در خاتمه جلسه شورای عالی کار و تصویب ۶۰۹ هزار تومان به‌عنوان حداقل مزد سال ۹۳، یعنی مبلغی تقریباً

ادامه در صفحه ۷

### سیاست‌های حزب توده ایران در محک آزمایش

## "حرکت حساب شده رژیم" و جنبش مردمی!

بازسازی رابطه با غرب حرکت می‌کند و گام‌های مهم نخست را در این زمینه به‌پیش برداشته است - قلمداد می‌شود.

در زمینه برنامه‌های رژیم در یکسال گذشته، از مهندسی انتخابات تا تلاش برای مهندسی خواست‌های جنبش مردمی، امیر محبیان، از زمره نظریه پردازان نزدیک به دستگاه ولایت، در مصاحبه‌ی گفت‌وگو، دولت روحانی محصول اقدام و حرکتی حساب‌شده درحوزه تعامل بین‌المللی بود. او تأکید کرد: "به‌گمانم سیستم قصد داشت حرکتی حساب شده را در حوزه تعامل بین‌المللی انجام دهد، نه احمدی‌نژاد می‌توانست این نقش را بازی کند و نه مصلحت بود کار به دست اصلاح‌طلبان بیفتد که استحکام لازم را برای این نداشتند، طبعاً روحانی با سوابق خود و نگاه امنیتی خاص تبحر لازم را در این زمینه داشت..."

ولی فقیه در پیام نوروزی‌اش، سال جدید را سال اقتصاد، فرهنگ، باعزم ملی و مدیریت جهادی نامید، و ضمن یادآوری انتخابات سال ۹۲، "دست به دست شدن قدرت اجرایی در کمال امنیت و آرامش" را موفقیتی بزرگ برای رژیم دانست. پیام نوروزی، سخنرانی خاصه‌ای در مشهد این بار در مضمون خود نوعی حمایت از سیاست "اعتدال و میانه‌روی" را نیز در خود مستتر داشت، که توجه به آن برای شناخت فعل و انفعالات درون حاکمیت و راهبردهای رژیم از اهمیت برخوردار است.

ادامه در صفحه ۶

امیر محبیان، از نظریه پردازان رژیم: "به‌گمانم سیستم قصد داشت حرکتی حساب‌شده را در حوزه تعامل بین‌المللی انجام دهد، نه احمدی‌نژاد می‌توانست این نقش را بازی کند و نه مصلحت بود کار به دست اصلاح‌طلبان بیفتد که استحکام لازم را برای این نداشتند، طبعاً روحانی با سوابق خود و نگاه امنیتی خاص تبحر لازم را در این زمینه داشت..."

موضوع گیری‌های خامنه‌ای در آغاز سال نو، بیان‌گر ادامه تلاش‌های او در جهت برقراری نوعی تعادل در مناسبات میان جناح‌ها با حفظ موقعیت برتر برای ولی فقیه و همچنین استمرار سیاست "حفظ نظام" در مرحله کنونی - یعنی مرحله‌ی که رژیم با دقت و جدیت به سمت



شماره ۹۴۴، ۱۸ فروردین ۱۳۹۳  
دوره هشتم، سال بیست و هشتم

## با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

## برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی و طرد رژیم "ولایت فقیه"!



پایه‌ریزی اقتصادی ملی را در خود نداشته است. تجربه نشان داده است که، در شرایطی که کشورهای امپریالیستی، پس از فروری اتحاد شوروی و کشورهای سوسیالیستی اروپای شرقی در پایان دهه ۱۹۸۰، یک‌تاز میدان جهان شده اند و سرمایه مالی سیطره‌ی بلامنازع یافته است، برای پایه‌ریزی اقتصادی ملی با سمت‌گیری‌ای ملی دمکراتیک و رویکردی به سوی عدالت اجتماعی، یگانه ساختار ضروری ائتلاف نیروهای دمکراتیک و ملی با طبقه کارگر است. همه شواهد نشان می‌دهند که ناتوانی اقتصادی در زیر بنای جامعه ایران و حضور نداشتن نیروهای ملی و دمکراتیک در ساختار سیاسی کشور، زمینه را برای رهبری بورژوازی تجاری در ائتلافی با نیروهای ارتجاعی در دهه شصت، فراهم کرده و راه را باز کرده بود.

در مرحله بعدی، در دوره هشت ساله دولت رفسنجانی، که بازسازی سیستم سرمایه‌داری سرعت بیشتری پیدا می‌کند، جریان جدیدی از سرمایه‌داری شروع به رشد می‌کند که با عنصرهای جدید نظامیان از جنگ برگشته شکل می‌گیرد. پیوند این نظامیان با بوروکراسی فاسدی که در دهه شصت در ساختار دولتی به وجود آمده است زمینه لازم برای شکل‌گیری این گرایش جدید سرمایه‌داری در ایران است. تمرکز سرمایه‌های اولیه این قشر جدید، از راه رانت و قراردادهای پردرآمد و بدون انجام تشریفات مناقصه در دولت است. باید یادآور شد که، در این دوره تمرکز سرمایه از طریق سلب مالکیت دولتی و عمومی هنوز در مرحله‌های نخست خود قرار دارد. پروژه‌های نفت و گاز و فولاد و مخابرات و نیروگاه‌ها در دست دولت است، اما همه شرایط برای شکل‌گیری سرمایه‌داری ای فاسد و بوروکراتیک فراهم است و سنگ پایه‌های محکمی برای آن کار گذاشته شده است. با وجود برخی شعارهای سیاسی امیدوارکننده در سال‌های نخست روی کار آمدن دولت اصلاح‌طلبان پس از دوم خرداد ۱۳۷۶، متأسفانه سمت‌گیری‌های اقتصادی دوره دولت محمد خاتمی با دوره رفسنجانی تفاوت چندانی پیدا نکرد. ادامه سیاست‌های کلان اقتصادی دولت رفسنجانی در عمده‌ترین خطوط در کنار سیاست توسعه سیاسی در چارچوب "لیبرال دمکراتیک"، امری که از سوی جناح‌های ارتجاعی با مخالفت‌های شدید روبه‌رو می‌شود از جمله ویژگی‌های دوران دولت اصلاحات است. رویارو شدن روند بازسازی سرمایه‌داری در مرحله‌های مخصوص به خودش با بحران‌ها و اعتراض‌های اجتماعی در کشور امری طبیعی است، و همان گونه که در این سال‌ها به تجربه ثابت شده است، "سرمایه" در گذار از این مرحله‌ها در کشورهایی مانند ایران، توان، فرهنگ، و خواست پیروی از گزینه‌های "لیبرال" و یا "دمکراتیک" را در خود ندارد. سیاست مطلوب برای جناح‌های سرمایه‌داری در این دوره، سیاست مشت‌آهنین است. در نتیجه، شعاع عمل دولت محمد خاتمی تنها در محدوده طبقه متوسط جدید باقی ماند، و سمت‌گیری اقتصادی این دولت از گسترده شدن ارتباط با طبقه‌ها و قشرهای زحمتکش جامعه مانع گردید، و از پشتوانه نیروی زحمتکش برای نبردهای آتش، محروم شد.

### سلطه نولیبرالیسم در ایران

اینکه گرایش‌های "لیبرال دمکراسی" - و به تبع آن نولیبرالیسم اقتصادی - چگونه در اصلاح‌طلبان و دولت محمد خاتمی به تفکر غالب تبدیل شد به پروسه بازسازی‌ای ایدئولوژیکی مربوط می‌شود که جناح‌های تشکیل دهنده رژیم

### ادامه دولت حسن روحانی ...

از فرایندی تغییرپذیر پیروی می‌کند، و دولت نیز در مقام پدیده‌ی زمینی - که محصول و بازتاب کنش‌های طبقه‌ها و قشرهای اجتماعی موجود است - از لحاظ ماهیت فارغ از این تغییرپذیری نیست. بنابراین، دولت‌ها در نظام جمهوری اسلامی، و عملکرد هر دوره‌شان، را بر مبنای فرایند بازسازی سیستم سرمایه‌داری پسا انقلاب بهمن و مرحله‌های این بازسازی باید مورد ارزیابی قرار داد. دوره احمدی نژاد نیز مرحله‌ی از مرحله‌های بازسازی سیستم سرمایه‌داری در دوره حیات رژیم ولایت فقیه است. ویژگی این دوره را در سرمایه‌داری ای که رهبری این دوره از بازسازی را به عهده داشته است باید بیشتر جستجو کرد تا در شخص احمدی نژاد. در این دوره سی و چندساله، تغییرهای قابل توجهی در ساختارهای اجتماعی کشور روی داده است. این تغییرها، همچنین در ساختار سیستم سرمایه‌داری ایران و نوع تمرکز سرمایه و میزان سرعت بازسازی آن، ماهیت طبقاتی اش، میزان تمرکز سرمایه و علائق و نوع عملکرد آن در حوزه‌های اقتصادی و سیاسی نیز دیده می‌شوند.

رهبری بازسازی سیستم سرمایه‌داری [ایران] پس از انقلاب بهمن و مرحله‌های این بازسازی، همیشه در دست یک جناح از سرمایه‌داری نبوده است. در دهه نخست انقلاب، بازسازی سیستم سرمایه‌داری به‌کندی صورت می‌گرفت. در این دهه، بورژوازی بوروکراتیک نوین اسلامی هنوز به‌طور کامل شکل نگرفته بود و یا لاقط به‌شکل جناحی قدرتمند در سیستم سرمایه‌داری کشور در نیامده بود. البته بوروکراسی فاسد به‌طور سریع و به‌صورتی گسترده در حال شکل‌گیری و ریشه‌دواندن در حیات اجتماعی - اقتصادی کشور بود، اما هنوز اهرم‌های اقتصادی تعیین‌کننده در کشور را به‌طور گسترده به تملک خود در نیاروده بود. زمینه‌های شکل‌گیری بورژوازی بوروکراتیک در دهه شصت فراهم شد. در این دهه، رهبری بازسازی سیستم سرمایه‌داری [ایران] را سرمایه‌داری تجاری به‌عهده داشت. سرمایه‌داری منتسب به بازار - که در تاریخ معاصر ایران از دوره مشروطه نقش‌آفرین بوده است - قدرتمندترین نیروی سرمایه‌داری در کشور است که پس از انقلاب بهمن نه‌تنها در جایگاه‌اش باقی مانده است، بلکه جناحی اثرگذار در ساختار قدرت در رژیم ولایتی است. این بخش از طبقه سرمایه‌داری ایران، بنا بر نقش تاریخی‌اش، و نیز رابطه و مناسبات سنتی‌اش با لایه‌های بالایی روحانیت و حوزه‌های مذهبی [مشهور به علمیه]، در ساختار سیاسی کشور صاحب نفوذ بوده است و کلیه نیروهای ارتجاعی در روحانیت و بورژوازی واپس‌گرایی سنتی، و علاوه بر آن‌ها، گرایش‌های ارتجاعی و ضد چپ را رهبری کرده است و با قدرت برآمده از مجموع این نیروها، از ژرفش و گسترش انقلاب مانع شد، و در نتیجه، از پیروزی انقلاب جلوگیری کرد.

اگرچه در دهه شصت خرده بورژوازی تولیدگر و فعال در صنایع کوچک و متوسط تولیدی خصوصی و حتی صنایع روستایی در اقتصاد کشور حضور داشتند، اما این حضور به‌شکل‌گیری نهاد‌های صنفی و سیاسی‌اش منجر نشد، و علاوه بر آن، نتوانست طبقه سرمایه‌داری‌ای قدرتمند را شکل دهد. علت این شکل نگرفتن را در عامل‌های پرشماری از جمله در پراکندگی جغرافیایی، نداشتن حضور و نقش سیاسی در ساختار دولت موقت، محدود بودن کمیّت و تأثیرش در اقتصاد ملی، و دنباله‌روی سیاسی‌اش از بورژوازی تجاری می‌توان پی‌جویی کرد. ضعف ایدئولوژیک، زیر تأثیر اندیشه‌های مذهبی و ارتجاعی قرار داشتن، و ائتلاف نکردن با نیروهای چپ، و به‌تعبیری، چپ‌گریزی‌ای که نمایندگان سیاسی‌اش بدان دچار بودند، را نیز به این عامل‌ها باید افزود. به‌گواه اسناد و بررسی‌های کارشناسانه، بورژوازی تجاری ایران از تولید گریزان و بیزار بوده است، و نیز باید در نظر داشت که، بوروکراسی فاسد در صنایع تولیدی دولتی و در مدیریت‌های اقتصادی، آخرین توان این بخش از سرمایه‌داری [خرده بورژوازی تولیدگر] را به نابودی کشاند. ساختار حاکمیت پایه‌ریزی شده پس از انقلاب اساساً به‌نحوی بوده است که قابلیت

## ادامه دولت حسن روحانی ...

اسلامی از ابتدای انقلاب تا اکنون آن را طی کرده‌اند، و موضوعی است قابل بحث. در ارتباط این موضوع با اصلاح‌طلبان اسلامی که طیف‌هایی از تحصیل‌کردگان و دانشگاهیان شرکت‌کننده در انقلاب بهمن را دربر داشت، باید اذعان کرد که، به دلیل ارتباط اینان با محفل‌های روشنفکری و نیروهای سیاسی جامعه آن روز ایران، دگماتیسم مذهبی و تفکرهای سنتی در آنان زودتر از دیگر اسلامی‌ها شکسته شد، و در نتیجه، این دگماتیسم و سنت‌گرایی با تفکر و ایدئولوژی‌ای جدید می‌بایست جایگزین شود. جایگزین متأسفانه از نوع دمکراتیسم عدالت‌خواهانه نبود و در شق غالب آن، از محدوده "لیبرال دمکراسی" فراتر نرفت و در نهایت به گرایش‌های نولیبرالیستی انجامید که در ادامه خود امروز بخشی از آنان [اصلاح‌طلبان اسلامی] را به چرخ پنجم دولت روحانی تبدیل کرده است.

نکته قابل توجه آنکه اگرچه دولت محمد خاتمی از سوی هیچکدام از جناح‌های اصلی رژیم ولایت فقیه مقبول واقع نشد ولی خاتمی و نیروهای سیاسی هوادار او نتوانستند از چارچوب‌های تنگ برداشت "خودی و غیر خودی" یا فراتر نهاده و گرایش‌های دمکراتیک مشخص و پیگیری از خود بروز بدهند و بر اساس ضرب المثل معروف "از اینجا رانده و از اینجا مانده" شدند. این جریان سیاسی که در انتخابات ریاست جمهوری ۲ خردادماه ۱۳۷۶ با جنبش مردمی‌ای وسیع بر سر کار آمد، جایگاهش را بی‌آنکه کار بزرگی انجام دهد، به ماجراجوترین دولتی سپرد که ائتلاف سرمایه‌داری بوروکراتیک و کلان‌سرمایه‌داری تجاری در اتحادی شوم با ارتجاعی‌ترین بخش روحانیت روی کار آورد.

کلان‌سرمایه‌داری نوین در ایران تمرکز اولیه سرمایه‌اش را با نفوذ در قدرت سیاسی و بهره‌گیری از رانت و فسادورزی دولتی و ویژه‌خواری به‌دست آورد، و این‌ها به دوره‌های ریاست جمهوری رفسنجانی و محمد خاتمی (۱۳۶۸ تا ۱۳۸۴) مربوط است. دوره محمود احمدی‌نژاد اما نقطه عطفی در میزان تمرکز و انباشت سرمایه و قدرت‌یابی و تحکیم قدرت سیاسی و اقتصادی بورژوازی بوروکراتیک در مقام جناح سرمایه‌داری‌ای قدرتمند در ایران است. در این دوره، شیوه تمرکز سرمایه از رانت و ویژه‌خواری فراتر رفت و کار به خزانه‌دزدی مستقیم و بازی با دلارهای نفتی در بازار سیاه و سلب مالکیت اموال ملی و دولتی زیر نام خصوصی‌سازی کشیده شد. ظهور پر قدرت شرکت‌های پیمانکاری‌ای عظیم نظیر "قرارگاه خاتم الانبیا"، سپاه پاسداران و یا "شرکت مینا" که در حوزه‌های نفت و گاز و انرژی، احداث نیروگاه، راه آهن، جاده سازی، پل سازی، آب و برق در شمار بسیاری از کشورهای خاورمیانه، آسیا، و آفریقا فعالیت دارند را در این راستا باید دید. در این راستا، همچنین نهادهای گوناگون و پرشماری که با جناح‌های مختلف سرمایه‌داری کشور مربوطند - از قبیل نهادهای عمده غیردولتی زیر نظارت ولی فقیه، یعنی انواع و اقسام بنیادها و نهادهای مالی و اقتصادی و نظامی همچون سپاه پاسداران، بسیج مستضعفان، و نیروهای انتظامی، و همچنین نهادهای مالی و اقتصادی به‌ظاهر عام‌المنفعه - همگی دخیل‌اند. امروز وقتی از کلان‌سرمایه‌داری تجاری سخن می‌گوییم دیگر صحبت بر سر آن گونه سرمایه‌داری تجاری‌ای که در سال‌های پایانی حیات رژیم شاه موضوعیت داشت نیست که تنها به بازارهای سنتی تهران و شهرهای اصلی ایران محدود می‌شد. کنسرسیوم‌های وابسته به سپاه و نهادهای دیگر وابسته به حاکمیت هم در امر تجارت و واردات کالا فعالند، اما فعالیت‌های تجاری این کنسرسیوم‌ها نقش بازار را که در مقام جریان سیاسی و اقتصادی‌ای پرنفوذ در حیات اقتصادی - سیاسی کشور همواره حضور داشته است را به‌هیچ‌وجه نتوانسته‌اند از میان بردارند. اتاق بازرگانی تهران و حزب مؤتلفه اسلامی و گروه‌های همسو با آن، هم در بین روحانیت و هم در ساختار دولت نفوذ دارند، و با روی کار آمدن حسن روحانی، در دولت جای پاهایی پیدا کرده‌اند.

این جریان، پس از بالا رفتن شدید قیمت دلار، تظاهرات کنترل‌شده‌ای را در سال ۹۲ در بازار برپا کردند. از چهره‌های سرشناس این جریان، عسگر اولادی [اسداله]، تا آخرین روزهای زندگی خودش در تلاش برای یارگیری جدید بود. در رابطه با پایگاه سیاسی سرمایه‌داری تجاری (در اینجا به‌طور عمده بازار منظور است) باید اذعان داشت که در بین جناح‌های مختلف سرمایه‌داری ایران از سابقه سیاسی‌ای به‌مراتب طولانی‌تر و نیز گسترده‌تر برخوردار بوده است. این بخش از سرمایه‌داری همیشه با تولیدکنندگان خرد و صنوف رابطه تنگاتنگ داشته است. حتی در آستانه انقلاب ارزیابی می‌شد که نصف بازرگانی خارجی و دو سوم بازرگانی تولیدات خرد را در اختیار خود داشته است. بازار که در آستانه انقلاب به نیروهای مخالف [با رژیم شاه] پیوست و در جریان مرحله اول انقلاب در جبهه ضد دیکتاتوری [شاه] قرار گرفت، از فردای پس از پیروزی انقلاب به یکی از مانع‌های اساسی تعمیق انقلاب تبدیل شد و برخی از چهره‌های برجسته و سرشناس آن در روند ترمز کردن و به شکست کشاندن انقلاب بهمن در کنار ارتجاعی‌ترین نیروهای سنتی قرار گرفتند و حتی آن‌ها را متشکل کردند و به سازمان‌دهی نیروهای سرکوب‌گر پرداختند. نیروهای سیاسی منتسب به این بخش از سرمایه‌داری ایران پس از ۲ خرداد ماه ۱۳۷۶ در مانع تراشی در برابر اقدام‌های دولت اصلاحات نقش عمده داشتند و برای به قدرت رساندن احمدی‌نژاد با جناح‌های دیگر سرمایه‌داری غیرمولد در یک صف قرار گرفتند. اما جناح‌های منتسب به بورژوازی بوروکراتیک نوین آن‌ها [نیروهای بازاری] را از ساختار دولت کنار گذاشتند. با اوج‌گیری تحریم‌ها و جایگزین شدن اقتصاد مافیایی [به‌جای سرمایه‌داری تجاری] و آغاز کوشش‌های رژیم برای دور زدن تحریم‌ها، بخش سرمایه‌داری مرتبط با جناح‌های نظامی - امنیتی از سازمان‌دهی مؤثرتری برخوردار بود، و در نتیجه، با توجه به دراختیار داشتن دولت، فروش نفت و دلارهای نفتی و بخش بزرگی از تجارت خارجی را در کنترل گرفت. این بخش از بورژوازی بوروکراتیک نوین کشور، بازی با دلار را در بازار سیاه و بانک مرکزی در اختیار خود داشت. در این دوره بازار نارضایتی‌اش را از دولت اعلام کرد و چند تظاهرات، البته کنترل شده، در بازارهای ایران و به خصوص در بازار تهران برپا کرد. فعالیت پررنگ و حساب‌شده برادران عسگر اولادی [حبیب‌اله و اسداله] به‌نیابت از بخش بورژوازی بازار در این برهه در عرصه سیاست کشور امر مهمی است که اثرهای آن در تحول‌های سیاسی دوره‌ی که به مهندسی انتخابات خرداد ماه ۱۳۹۲ منجر شد نباید از ارزیابی‌ها بیرون بماند. برادران عسگر اولادی در مقام سخنگویان حزب مؤتلفه در این دوره از هاشمی رفسنجانی دلجویی کردند و او را عمود خیمه نظام نامیدند، خواهان گشایش در موضوع حصر موسوی و کروبی شدند، و ائتلاف با بخشی از اصلاح‌طلبان به‌نفع تغییرهای سیاسی‌ای مشخص در کشور را خواستار شدند. حقیقت اینکه، در دو سال پایانی دولت احمدی‌نژاد شکست سیاسی دولت کاملاً مشخص شده بود و شکاف در بیت رهبری پیرامون محور کاهش بحران و مذاکره با غرب شکلی کاملاً علنی به‌خود گرفته بود. در چنین وضعیتی، جناح‌های مختلف سرمایه‌داری کشور درحالی که اجرای خط مشی برون‌رفت از بحران از چند ماه پیش از آن استارت زده شده بود، و همچنین با آگاهی از نیت و عزم بیت رهبری به تغییر دادن سکان‌دار دولت و مسیر حرکت، بخت خود را در انتخاباتی مهندسی شده به‌رای عمومی گذاشتند. خط مشی پذیرفته شده از سوی همه جناح‌های حاکمیت، از جمله مصباح‌یزدی و دیگر حامیان دولت احمدی‌نژاد، در آستانه انتخابات ۹۲ عبارت بود از: پایان دادن به مناقشه و درگیری با غرب، حل‌وفصل مسئله برنامه هسته‌ای، بازسازی مناسبات سرمایه‌داری ایران با غرب، سرعت بخشیدن به خصوصی‌سازی و سلب مالکیت دولتی. در این میان عمده‌ترین توافق انجام شده، سمت‌گیری اقتصاد کشور در مسیر اقتصاد نولیبرالی است که همه جناح‌های حکومتی و از جمله اصلاح‌طلبان بر محور آن ائتلاف کرده‌اند. گرایش همه جناح‌های حکومتی به سمت‌گیری نولیبرالی در اقتصاد بر پایه رابطه طبقاتی‌ای مستقیم میان این جناح‌ها مبتنی است، و در مورد اصلاح‌طلبان بیشتر بر پایه رابطه‌ی ایدئولوژیک، و یا ائتلافی بر مبنای ایدئولوژیک، است. بخش بزرگی از اصلاح‌طلبان که با شعار بازسازی بدنه جنبش سیاسی و توسعه سیاسی وارد انتخابات شدند، پس از پیروزی حسن روحانی و آگاهی از توافق‌های پشت‌پرده، به هر دوی این شعارها پشت کردند و در پیرامون پیشبرد برنامه‌های اقتصاد نولیبرالی به چرخ پنجم دولت "تدبیر و اعتدال" تبدیل شده‌اند. دولت حسن روحانی در چارچوب چنین ائتلافی به‌قدرت رسیده است و در این چارچوب عمل می‌کند.



تأمین و تضمین شود؟ آیا افزایش مشارکت زنان در عرصه‌های اجتماعی، با وجود تبعیض خشن در انتخاب شغل و میزان دستمزد، امکان‌پذیر است؟ به‌علاوه، هزاران دختر جوان دانشجوی از تبعیض‌های پیدا و پنهان در مرکزهای آموزش عالی رنج می‌برند، با این حال، کدام ماده و تبصره برنامه پنجم توسعه به‌این مسئله اشاره‌ی دارد و بر حل و رفع آن تأکید می‌کند؟ برنامه پنجم توسعه و دیگر سیاست‌های اقتصادی - اجتماعی رژیم ولایت‌فقیه در چارچوب قوانین حاکم، نقض‌کننده حقوق برابر برای زنان در جامعه‌اند. هنگامی می‌توان با صراحت، صداقت، و شفافیت از افزایش مشارکت زنان در امور سیاسی، اقتصادی، و اجتماعی سخن به‌میان آورد که زمینه و بسترهای اجتماعی و حقوقی آن فراهم شده باشند. در چارچوب سیاست‌های کلی کنونی رژیم و قوانین مصوب که به‌شدت زن‌ستیزند، نمی‌توان از افزایش مشارکت زنان دم زد! زنان میهن ما، به‌ویژه زنان طبقه‌های محروم و زحمتکش جامعه، علاوه بر این که از تبعیض جنسیتی‌ای وحشتناک رنج می‌برند و حقوق راستین‌شان پایمال می‌شود، بر اثر اجرای سیاست‌های اقتصادی ضد‌مردمی ژرف‌تر شدن تبعیض جنسیتی - طبقاتی را شاهدند.

### حذف یارانه‌ها: افزایش قیمت نان، و سقوط سطح دستمزدها

یکی از پیامدهای اجرای فاز دوم هدفمندی یارانه‌ها افزایش قیمت نان در مقام اصلی‌ترین ماده غذایی خانوارهای ایرانی است. خبرگزاری ایلنا، ۱۱ فروردین ماه، در گزارشی، نوشت: "نان یک کالای ضروری پرمصرف است... مشکلات معیشتی کارگران با افزایش قیمت نان وخیم تر می‌شود." در ابتدای اسفندماه ۹۲، معاون اول رئیس جمهور در جمع مسئولان استانداری تهران گفته‌بود: "باید این پیام را به مردم منتقل کنید که میان دریافت یارانه نقدی و حل مشکلات یکی را انتخاب کنند" [روزنامه رسالت، ۶ اسفندماه ۹۲]. چنین موضع‌گیری‌ای که آن را باید بی‌شرمانه نامید، نسبت به زندگی و معیشت مردم هیچ دغدغه‌خاطری در خود ندارد، با عوام‌فریبی‌ای ویژه مسئولان رژیم ولایت‌فقیه، حل مشکل‌های اقتصادی را به سیاست ضد‌مردمی حذف یارانه‌ها و مسئله‌های غیرعمده و فریبکارانه‌ای چون پرداخت یارانه نقدی مربوط می‌داند و حواله می‌کند. باید از اسحق جهانگیری، معاون رئیس جمهور، پرسید که، در طول دو سال اخیر که برنامه آزادسازی اقتصادی به‌اجرا درآمده است و سیاست فریبکارانه پرداخت یارانه نقدی به‌کار گرفته شده است، سطح زندگی و قدرت خرید مردم آیا افزایش داشته است؟ آیا پرداخت یارانه نقدی بهبودی در معیشت مردم به‌وجود آورده است؟

خبرگزاری مهر، ۴ اسفندماه ۹۲، در گزارشی، نوشته بود: "قائم مقام وزیر صنعت، معدن و تجارت از تصمیم دولت برای اصلاح نظام قیمتی نان خبر داد. ... اصلاح قیمت نان در اجرای فاز دوم هدفمندی یارانه‌ها صورت می‌گیرد... نظام قیمتی نان یک نکته کلیدی است و باید به دقت بررسی کرد که کدام الگو می‌تواند به نحوی مؤثر باشد." علاوه بر این، خبرگزاری ایسنا، ۵ اسفندماه ۹۲، در گزارشی، نوشت: "تصمیم‌گیری درباره افزایش قیمت نان در سال آینده جزو وظایف ستاد هدفمندی یارانه‌هاست. ... احتمال افزایش قیمت نان در سال آینده [سال ۹۳] وجود دارد."

فاز دوم هدفمندی یارانه‌ها در حالی به‌اجرا در خواهد آمد که سطح دستمزد کارگران، روستاییان، معلمان، پرستاران، و کارمندان بخش‌های دولتی و خصوصی در طول چندسال اخیر - با رشد نرخ تورم - مرتب سقوط کرده است و زحمتکشان شهر و روستا قادر به تأمین مایحتاج بدیهی خود و خانواده‌های‌شان نیستند. خبرگزاری ایلنا، ۲۸ دی‌ماه ۹۲، در گزارشی، اعتراف کرده بود: "درآمد ۶۷ درصد کارگران، عقب‌تر از تورم است."

به‌علاوه، خبرگزاری مهر، ۵ اسفندماه ۹۲، خاطرنشان ساخته بود: "هزینه خانوار ۴ نفره به ۱ میلیون و ۸۰۰ هزار تومان رسید. کارگران ۶۰ درصد قدرت خرید خود را از دست داده‌اند." کارمندان، پرستاران، و معلمان کشور نیز در وضعیت مشابهی به‌سر می‌برند. افزایش ۱۸ تا ۲۰ درصدی دستمزد کارمندان برای سال ۹۳ خود دشواری زندگی کارمندان و خانواده‌های‌شان را آشکار می‌کند. درباره اثر اجرای برنامه آزادسازی اقتصادی که به سقوط سطح دستمزدها و کاهش قدرت خرید اکثریت مردم میهن ما منجر شده است، گزارش بانک مرکزی جمهوری اسلامی بسیار افشاگرانه است. در این گزارش تأکید می‌گردد که، مصرف سرانه کالاهایی نظیر برنج، نان، گوشت، مواد لبنی، روغن... کاهش یافته و قدرت خرید خانوارها سقوط کرده است. روزنامه اعتماد، ۶ اسفندماه ۹۲، ضمن انتشار گزارش بانک مرکزی، افزوده بود: "متوسط مقدار مصرف سرانه اغلب کالاهای خوراکی مردم در سال گذشته [۱۳۹۱] نسبت به سال‌های نخست دهه ۸۰ [خورشیدی] کاهش یافته است." سال‌های ۹۲-۹۱، سال‌های اجرای برنامه‌های هدفمندی یارانه‌ها و نیز همراه با آن، اجرای سیاست فریبکارانه پرداخت یارانه نقدی است! افزایش نرخ کالاهای خوراکی و ضرور بر اثر اجرای برنامه‌های آزادسازی اقتصادی و به‌موازات آن‌ها کاهش سطح دستمزدها بازهم ادامه خواهد یافت. دولت حسن روحانی در این زمینه ادامه



### افزایش مشارکت زنان در جامعه: چگونه و با کدام برنامه؟

با آغاز سال نو ۱۳۹۳، و ادامه برنامه‌های اقتصادی - اجتماعی رژیم ولایت‌فقیه، به‌ویژه شتاب بخشیدن به سیاست خصوصی‌سازی و مقررات‌زدایی، تبلیغات پرده‌پوشی از سوی دولت و برخی محفل‌های وابسته به حکومت در خصوص افزایش مشارکت زنان در امور سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی به گوش می‌رسد. پیش از این، در آستانه نوروز و در گرماگرم بحث‌های مربوط به اجرای فاز دوم برنامه هدفمندی یارانه‌ها و نیز تحول‌های ناشی از توافق ژنو و اعلام سیاست کلی اقتصاد مقاومتی از سوی ولی‌فقیه، معاون رئیس‌جمهور در امور زنان و خانواده در نشست سراسری مشاوران استانداران در امور زنان و خانواده، اعلام‌داشت که، افزایش مشارکت زنان به‌عزم ملی اختیار دارد و دولت در این زمینه فعالیت می‌کند. خبرگزاری ایلنا، ۴ اسفندماه ۹۲، نوشت: "شهرین دخت مولاوردی [معاون رئیس‌جمهور در امور زنان و خانواده] در ادامه [سخنانش] ماده ۲۳۰ قانون پنجم توسعه را نوعی قانون اساسی برای زنان خواند و گفت، این ماده در ۱۴ محور به مسایل مربوط به زنان از جمله تقویت نهاد خانواده و استیفای حقوق شرعی و قانونی زنان در همه زمینه‌ها می‌پردازد و ما موظفیم که با همکاری دستگاه‌های اجرایی در قالب تفاهم‌نامه‌هایی به این محورها بپردازیم... مولاوردی درباره کاهش ساعت کاری زنان دارای فرزند معلول و یا با شرایط خاص، این موضوع در کمیسیون اجتماعی مجلس در دستور کار است... طرح دورکاری که هم برای زنان و هم برای مردان تدوین شده، انتظارات لازم را برآورده نکرده‌است، بنابراین صحبت از حذف آن پیش آمد که ما با آن مخالفت کردیم."

اشاره معاون رئیس‌جمهور در امور زنان و خانواده در مورد برنامه پنجم توسعه جمهوری اسلامی حامل نشانه‌های جدی‌ای از تغییر و تحولی مثبت و ملموس در رابطه با وضعیت زنان، خصوصاً زنان کارگر، کارمند و معلم نیست.

نکته مهم اینکه اساس برنامه پنجم توسعه دولت جدید همچنان بر ادامه و گسترش سیاست خصوصی‌سازی و جلب و جذب سرمایه خارجی استوار است. ثمرات چنین سیاست‌هایی را مردم ما با پوست و گوشت خود در طول دهه اخیر احساس کرده‌اند و ادامه این سیاست‌ها زنان شاغل، مانند مردان را، در تمامی عرصه‌ها با کاهش سطح درآمد روبه‌رو خواهد کرد. همان‌طور که قبلاً اشاره کرده‌ایم اساس برنامه پنجم توسعه حرکت در مدار نسخه‌های نولیبرالی توصیه‌شده از سوی صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی است، با توجه به این واقعیت‌ها، چگونه و برپایه چه معیاری قرار است مشارکت زنان کارگر، کارمند، معلم، پرستار و دیگر زنان شاغل که دستمزدی کمتر از مردان در برابر کار همسان با آنان دریافت می‌کنند،



## ادامه رویدادهای ایران ...

دهنده راه دولت ضدملی احمدی نژاد و مدافع سینه‌چاک فرمان‌های نهادهای امپریالیستی‌ای مانند صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی است!

## حمایت از زندگی و آینده کودکان کار: وظیفه‌ی ملی و همگانی است!

در طول سه‌دهه اخیر، به‌ویژه پس از پایان جنگ خانمان‌بربادده ایران و عراق و آغاز اجرای برنامه‌های اقتصادی-اجتماعی دیکته شده از سوی صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی، پیوسته بر شمار کودکان کار افزوده شده است. پدیده کودکان کار، که با برنامه‌هایی نظیر خصوصی سازی، مقررات زدایی، و آزادسازی اقتصادی ارتباط مستقیم و تنگاتنگ دارد، اینک به معضل اجتماعی‌ای جدی تبدیل شده است، و یکی از دردناک‌ترین پیامدهای عملکرد رژیم ولایت‌فقیه است.

چندی پیش، رئیس سازمان بهزیستی، در مصاحبه‌ی، به‌صراحت گفت که، ساماندهی کودکان کار و خیابان با خلاء قانونی مواجه است و هیچ قانون مشخص و مدونی به این منظور که در برگیرنده منافع این کودکان باشد، در دسترس نیست. خبرگزاری ایلنا در این زمینه گزارش داده بود: "هم‌اکنون ۳۴ هزار کودک بدسرپرست و بی‌سرپرست در مراکز شبانه روزی بهزیستی نگهداری می‌شوند... در بخش ساماندهی کودکان خیابانی خلاء قانونی داریم... برخی از دستگاه‌ها وظایف خود را در این بخش انجام نمی‌دهند... چنانچه شبکه‌های مدنی و NGO [سازمان‌های مردم‌نهاد] و گروه‌های همیار تقویت شوند می‌توانیم اقدامات گسترده‌تری را در حوزه کودکان کار و خیابانی انجام دهیم." در همین زمینه، مسئولان شهرداری تهران نیز اعتراف کرده‌اند که، به ساماندهی و حمایت از کودکان کار "قادر" نیستند. خبرگزاری ایسنا، در آغاز اسفندماه ۹۲، در گزارشی، از قول گردانندگان شهرداری تهران اعلام داشت: "در حوزه مقابله با پدیده کودکان کار بسترهای اجتماعی موجود در نظر گرفته نشده و آیین‌نامه‌هایی نوشته می‌شود که بسترهای حقوقی و قانونی آن مشخص نیست، بنابراین مراجع و دستگاه‌های قضایی در این زمینه با مشکل مواجه هستند." نه تنها رئیس سازمان بهزیستی و مسئولان کلان‌شهر تهران از نبود قانون و ضمانتی اجرایی در خصوص سرنوشت کودکان کار زبان به شکایت می‌گشایند، بلکه کارشناسان و مددکاران اجتماعی- که آنان را تنها تکیه‌گاه هزاران کودک بی‌پناه و معصوم که اجباراً به کارهای مختلف روی آورده‌اند می‌توان به حساب آورد- نیز سیاست‌ها و برنامه‌های جمهوری اسلامی را مورد انتقاد سخت قرار می‌دهند. به‌هرروی، پدیده کودکان کار از اجرای برنامه‌هایی ناشی می‌شود که به گسترش فقر در جامعه منجر شده است و گروه قابل توجهی از کودکان خانواده‌های محروم، به‌ویژه حاشیه‌نشینان شهرهای بزرگ و پناهندگان افغانستانی و عراقی دیگر کشورها، را به کارهای نامناسب و شکنجه‌بار ناچار کرده است. برای مقابله با این پدیده دردناک و غیرقابل‌پذیرش، نخست مجموعه اقدام‌هایی به‌لحاظ قانونی باید انجام پذیرد و در درجه اول بر ممنوعیت کار کودکان زیر ۱۶ سال در عمل تأکید گردد. برای حل معضل کودکان کار ضرور است که دست بنیادهای انگلی خصوصاً کمیته امداد خمینی در این زمینه و عرصه‌های مشابه قطع گردد، و سازمان بهزیستی، با کادری باتجربه و حمایت و فعالیت کارشناسان و مددکاران تقویت شود و با دریافت بودجه لازم در سراسر کشور و بدون استثناء کودکان کار ایرانی و غیرایرانی را [به یکسان و بدون هیچ تفاوتی] زیر چتر حمایت خود گیرد. فراموش نکنیم که، مصوبه ضدکارگری مجلس ششم در خارج کردن کارگاه‌های کمتر از ۱۰ نفر از شمول قانون کار به‌رشد پدیده کودکان کار در سالیان اخیر دامن زده است، از این‌روی، لغو این "قانون" در عین حال که به سود منافع کودکان کار خواهد بود، تضمین‌کننده امنیت شغلی کارگران صنوف در چهارگوشه کشور می‌تواند باشد. فراهم کردن شرایط تحصیل و زندگی درخور و ضرور یک کودک از دیگر نکته‌های مهم برای به‌وجود آوردن زمینه‌های مناسب در مسیر مبارزه با رشد پدیده کودکان کار و در نهایت محو و نابودی این پدیده به‌سود زندگی اکنون، آینده، و سرنوشت همه کودکانی است که در ایران زندگی می‌کنند.

برنامه‌های رژیم و سمت‌گیری اقتصادی-اجتماعی آن، در کنار سیاست قرون‌وسطایی و واپس‌مانده فرهنگی‌اش، عامل پیدایش و رشد پدیده کودکان کار در میهن ماست. باید قاطعانه با این برنامه‌ها مبارزه کرد!

## ادامه نظم نوین جهانی و افول ...

متحدان نزدیکش شکستی استراتژیک و پرهزینه بود. آن بحران بی‌سابقه اقتصادی جهانی در سال ۲۰۰۸ در عمل شکست نومحافظه‌کاری (نئوکنسرواتیسم|نئوکان) و نولیبرالیسم را رقم زد، نومحافظه‌کاری و نولیبرالیسمی که بیش از سه دهه بر جهان حکم رانده و راستای اقتصادی جهان و روابط بین‌المللی را تعیین کرده بود. این شکست در انتهای دهه نخست قرن بیست و یکم، با ظهور چین در مقام نیروی اقتصادی‌ای برتر و همزمان با آن مطرح شدن مزیت‌های مشخص برنامه‌ریزی اقتصادی مبتنی بر سرمایه‌گذاری دولتی در این کشور مصادف شد، و طبیعتاً مدلی جایگزین در برابر مدلی شکست‌خورده و پرهزینه "بازار آزاد" را برای بسیاری از خلق‌های جهان ارائه کرد. قدرت اقتصادی، و به تبع آن، قابلیت مداخله مثبت چین در صحنه اقتصاد جهانی، عملاً آزادی عمل کشورهای درحال توسعه را در طراحی راه رشد و برنامه‌ریزی اقتصاد ملی‌شان به طور چشمگیری افزایش داد. در این رابطه، رشد اقتصادی بالای چین و توانایی این کشور به‌بالا بردن چشم‌گیر سطح زندگی صدها میلیون شهروند این کشور و به‌طورهمزمان مدرنیزه کردن اقتصاد و ساختارهای شهری، ترسیم‌کننده مزیت‌های سیستم اقتصادی‌ای آلترناتیو در برابر سیستم مبتنی بر بازار آزاد بوده است.

سیاست‌های نظامی‌گری، تجاوزگری آشکار به حقوق خلق‌ها، مشکل‌های عظیم و چند وجهی اقتصادی کشورهای سرمایه داری و به‌طورهمزمان با این‌ها، پیشرفت و صعود اقتصادی چین به جایگاه قدرت اقتصادی دوم جهان طبیعتاً و در عمل همین گونه فضا را برای گسترش تغییرهای ترقی‌خواهانه در منطقه‌های مختلف جهان الهام بخشید. در آمریکای لاتین، دولت‌های سوسیالیستی و سوسیال دموکراتیکی به‌قدرت رسیده‌اند که رویارویی با بی‌عدالتی‌های اقتصادی و نژادی، گسترش و تعمیق استقلال منطقه‌ای، و بازپس‌ستانی منابع ملی‌شان از چنگ کنترل شرکت‌های بزرگ را در دستورکارشان قرار داده‌اند. دو دهه پس از آنکه با اطمینان گفته می‌شد که جایگزینی برای سرمایه‌داری نولیبرال وجود ندارد، کشورهای آمریکای لاتین یکی پس از دیگری در مسیر ایجاد آلترناتیوهای اقتصادی مبتنی بر ایده‌های سوسیالیستی حرکت می‌کنند. وقوع انقلاب‌های موسوم به بهار عربی در خاورمیانه و شمال آفریقا و سرنگونی رژیم‌های سرکوبگر وابسته به امپریالیسم در مصر و تونس نیز در چنین فضایی صورت گرفت.

در سال‌های پس از حمله غیرقانونی ایالات متحده و متحدان ناتوی‌اش به عراق که با نقض منشور سازمان ملل متحد صورت پذیرفت، در مواجهه با احتمال تکرار چنین شرایطی کوشش‌هایی مبین برای ایجاد یک عامل تعادل بخشنده به موازانه قدرت در جهان انجام گرفت. تشکیل گروه کشورهای "بریکس" از موفق‌ترین گونه این کوشش‌ها است که به‌دلیل دربرداشتن کشورهایی از ۴ قاره جهان که هرکدام با بستگی‌های منطقه‌ای، سیاسی، و اقتصادی به کشورهای همسایه‌شان مرتبطند، ظرفیت بسیج نیروهای قابل توجهی را در خود دارند. در هر پنج کشور عضو بریکس حزب‌های کمونیست یا در قدرت سیاسی به‌طورمستقیم شریکند و یا در تحول‌های سیاسی کشورشان صاحب نفوذند. دو عضو دارای حق وتو در شورای امنیت سازمان ملل و ۵ عضو "گروه ۲۰" در ترکیب بریکس حضور دارند. کشورهای بریکس سهم عمده‌ای در اقتصاد جهان دارند، و بررغم رکود عمیق اقتصادی در جهان توانسته‌اند رشد بالای اقتصادی‌شان را حفظ کنند.

چنان‌که به‌طرزی فزاینده درحال آشکار شدن است، دوران قدرقدرتی غرب و تکلیف تعیین کردن برای بقیه جهان- که پس از خاتمه جنگ سرد آغاز شده بود- به پایان رسیده است. نیروهای مترقی جهان در کوشش برای شکل دادن نظمی مبتنی بر حفظ صلح جهانی، احترام به حق حاکمیت ملی کشورهای مستقل، جلوگیری از فاجعه‌های انسانی و طبیعی، و ترویج سیستمی بر مبنای دموکراسی و عدالت اجتماعی در جهان‌اند.

## تفاوت در اندیشه اتحاد در عمل مبارزه با دیتاتوری

کند و شاهد رفع حصر باشیم در زمانی که مسئولان امنیتی و قضایی درباره آن به نتیجه می‌رسند. این موضع‌گیری‌ها با محاسبه دقیق بیان می‌شوند و بار سیاسی معینی در این مقطع زمانی و در چگونگی مناسبات میان جناح‌های حاکمیت دارد.

فراموش نباید کرد که، دو اولویت اصلی دولت روحانی در چارچوب راهبرد رژیم ولایت فقیه حل مسئله هسته‌ای و بازسازی مناسبات با امپریالیسم و ادامه اجرای آزادسازی اقتصادی و خصوصی سازی مطابق نسخه‌های دیکته شده از سوی صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی است. پیوندی ارگانیک و متقابل میان این دو محور [دو اولویت] وجود دارد، و عملکرد هریک از این محورها مناسبات درون‌حکومتی و توازن قوا میان کانون‌های ثروت و قدرت در رژیم را به‌طور مستقیم تحت تأثیر قرار می‌دهند. انتقادات و یا حمله‌های این یا آن جناح به برخی سیاست‌های دولت روحانی به معنی نفی تمامیت سیاست‌های دولت یا تعارض با راهبرد اصلی رژیم ولایت فقیه - راهبردی که "برشم قهرمانانه" ولی فقیه نام‌گرفته است - نیست. دولت یازدهم - همان‌گونه که روحانی در جریان برگزاری نشست مجلس خبرگان اشاره کرده بود- "از خط قرمزها" عبور نکرده است و عبور نخواهد کرد.

مانورهای ولی فقیه که با مذاکرات هسته‌ای و راهبرد احیای رابطه با غرب ارتباط مستقیم دارد، در این مرحله نوعی حمایت و پشتیبانی از دولت روحانی نیز تلقی می‌گردد. انتشار عکس‌هایی از احمدی‌نژاد در کنار خامنه‌ای [در مراسم فاطمیه] در روزهای اخیر و سخنرانی‌اش در خوزستان، نشانه‌های دیگری از تلاش هدفمند ولی فقیه برای برقراری آن چنان تعادلی در مناسبات جناح‌های حکومتی است که در راستای تقویت موضع "بیت رهبری" و به‌نوعی حمایت از دولت روحانی هم باشد. "اقتصاد مقاومتی" ولی فقیه، زمینه و قالب مناسبی برای بازتقسیم انباشت سرمایه میان جناح‌ها به بهای فقر و نابودی توده‌های مردم است. بی‌جهت نبود که وزیر صنعت، معدن و تجارت به‌هنگام انتشار سیاست‌های کلی "اقتصاد مقاومتی" گفت: "اقتصاد مقاومتی برون‌گراست و هیچ ربطی به کاهش واردات نخواهد داشت، بلکه حجم و ارزش واردات افزایش نیز خواهد یافت." او تصریح کرده بود که با فعال‌سازی اعتبار مالی خارجی روابط اقتصادی با اتحادیه اروپا و آمریکا توسعه می‌یابد. او و نیز محمد نهاوندیان، رئیس دفتر رئیس‌جمهور اعلام کرده‌اند که، برنامه حضور بانک‌های خارجی در ایران تدوین و آماده برای اجراست.

ادامه مذاکرات هسته‌ای و روند رو به جلو آن در سال کنونی، هسته اصلی سیاست‌های رژیم بر مبنای احیای رابطه با غرب را تشکیل می‌دهد. رژیم می‌کوشد سیاستش را در چارچوب معینی با هدف‌ها و آماج‌های امپریالیسم در مناسبات جهانی و منطقه‌ای هماهنگ و همراه سازد.

وظیفه حزب‌ها و نیروهای سیاسی مترقی و آزادی‌خواه کشور شدت بخشیدن به مبارزه و ایجاد آن چنان فشار اجتماعی است که رژیم و دولت روحانی را به تن‌دادن به برخی خواست‌های جنبش مردمی وادار کند، و به موازات آن، تکیه‌گاه اجتماعی جنبش بازسازی شود و فعال گردد.

بدون مبارزه سازمان یافته و گسترده اجتماعی، بدون طرح خواست‌ها و شعارهای متناسب با شرایط کنونی کشور و توان جنبش مردمی، نمی‌توان به آینده و گام نهادن کشور در مسیر تحقق خواست‌های مردم امیدوار بود. باید با استفاده از همه امکانات و روزه‌های موجود راه را برای همکاری هرچه بیشتر نیروهای دگراندیش، ملی و آزادی‌خواه هموار کرد تا بتوان مبارزه سازمان یافته و موثری را بر ضد رژیم استبدادی و واپسگرایی کنونی به پیش برد.

### ادامه "حرکت حساب شده" رژیم ...

چه پیش و چه در فردای انتخابات در این زمینه ارزیابی‌های روشن و دقیقی را ارائه داد و از جمله نوشت: "در واقع باید گفت که ولی فقیه رژیم، با مهندسی انتخابات، توانست حداکثر استفاده را از اصلاح طلبان و رأی آنان بکند بی آنکه در برابر خواست آنان عقب نشینی ای جدی انجام دهد. ارزیابی خاتمی از وابستگی نداشتن روحانی به اصلاح طلبان درست است. حسن روحانی کسی است که به مدت ۱۶ سال نماینده علی خامنه‌ای و دبیر "شورای امنیت ملی" بوده است. و حتی پس از کودتای انتخاباتی خرداد ۸۸ نقش خود را به عنوان نماینده رهبر در این شورا حفظ کرده است... آنچه مسلم است این است که، ولی فقیه و سران رژیم خواهان ادامه سیاست‌های کلان تعیین شده‌شان، بهبود روابط با کشورهای غربی، به منظور پایان دادن به تحریم‌های اقتصادی و کاهش فشارهای بین‌المللی، و در نتیجه تأمین بقای حیات "نظام سیاسی" کنونی اند." کمیته مرکزی حزب توده ایران، ۲ خرداد ماه ۱۳۹۲، به نقل از "نامه مردم"، شماره ۹۲۲، ۱۳ خرداد ماه ۱۳۹۲

در واقع آنچه ما در دوران چند ماهی دولت روحانی نیز با آن مواجه بوده ایم، نخست تلاش پیگیر و سخت دولت او در زمینه عادی سازی روابط با آمریکا و کشورهای اتحادیه اروپا، و در عین حال و در عمده ترین خطوط ادامه همان سیاست‌های اقتصادی فاجعه باری که دولت احمدی نژاد در طول هشت سال به مرحله اجرا درآورد.

از آغاز سال جاری یکی از مهم‌ترین و جدی‌ترین مسئله‌ها اجرای فاز دوم قانون هدفمندی یارانه‌ها، یا به بیان دقیق‌تر، ادامه برنامه ضد مردمی آزادسازی اقتصادی است که دولت حسن روحانی آن را در چارچوب سیاست کلی "اقتصاد مقاومتی" مورد نظر ولی فقیه در اولویت کار خود قرار داده است.

اجرای آزادسازی اقتصادی، تلاش برای انتقال بخش‌هایی از دارایی‌های بلوکه شده به داخل کشور، حضور فزاینده انحصارهای فراملی در بازار کشور و سیاست‌های اقتصادی دولت، بر بستر برخی تنش‌ها و اصطکاک منافع جناح‌های مختلف حکومتی اجرا می‌گردد.

بر خلاف تبلیغات عوام‌فریبانه، دور تازه کشمکش‌ها به‌ویژه از سوی جریان‌های ماوراء راست و به شدت واپس‌گرا مانند دار و دسته مصباح یزدی و باند‌های وابسته به احمدی‌نژاد و نیز سپاه پاسداران، بیش از هر چیز با سهم‌خواهی و منافع کلان اقتصادی هر جناح می‌تواند مرتبط باشد. ریشه اصلی جدال‌های کنونی بر سر موقعیت سیاسی و منافع سرشار مالی است. عملکرد دولت، توافق ژنو و مسئله‌های مرتبط با آن، تأثیری مستقیم بر جایگاه جناح‌ها در حاکمیت، میزان نفوذ آن‌ها، و منافع مالی و اقتصادی‌شان داشته و دارد. بنابراین، زمینه اصلی اصطکاک منافع میان جناح بندی‌های حکومتی نه بر سر اصل راهبردی رژیم، یعنی سیاست بازسازی مناسبات با امپریالیسم، بلکه بر سر سهم‌خواهی هر جناح از این احیای رابطه و آینده آن است.

در آستانه سال نو، مصباح یزدی باردیگر زبان به انتقاد از عملکرد دولت حسن روحانی گشود. پایگاه خبری رجانیوز، ۱۲ اسفندماه ۹۲ گزارش داد: "مصباح یزدی در دیدار با عراقچی گفت، ما انتقادات مبنایی نسبت به دولت داریم که مربوط به موضوع مذاکرات هسته‌ای نیست. نگرانی اصلی ما از این است که سیاست‌های فرهنگی دولت که نظیر تساهل و تسامح دولت اصلاح طلبان است، زمینه را برای فتنه‌ای خطرناک‌تر از فتنه ۸۸ فراهم کند... صرف نظر از محتوای مذاکرات، نحوه عملکرد مسئولان امر در تبیین و توجیه کارهایشان سوال‌برانگیز است."

ریشه مخالفت این جناح‌ها را در همین موضوع تضعیف موقعیت سیاسی‌شان بر اثر تحول‌های کنونی به‌ویژه مسئله‌های اقتصادی و مالی باید دید. از سوی دیگر توجه به برخی مانورهای هدفمند رژیم و سیاست جناح‌های گوناگون در قبال برخی از خواست‌های فوری جنبش مردمی و نیروهای سیاسی و اصلاح طلب بسیار مهم است. در روزهای پایانی سال گذشته، محمدجواد لاریجانی، دبیر ستاد حقوق بشر قوه قضاییه، در مصاحبه‌ی با رسانه‌های همگانی، درباره حصر رهنورد، موسوی، و کروب، اعلام داشت: "ما امیدواریم این پرونده مسیر معمولی خود را طی



تکرار شوند: مردم واقعا به آن‌ها باور خواهند کرد و آن‌ها را خواهند پذیرفت، بنا بر این نظر، رسانه‌ها در این مورد می‌توانند نقش مؤثری در فریب توده‌ها بازی

کنند. در این باره به سه نمونه اشاره می‌کنیم. بنا بر گزارش ایسنا، ۱۷ اسفندماه ۹۲، روحانی، در مراسم اختتامیه بیستمین جشنواره ملی مطبوعات، گفت: "ما می‌خواهیم وارد بحث هفتمندی یارانه در قدم دوم شویم و این کار نیاز به حضور رسانه‌ها دارد تا زمینه را آماده کند و شرایط را برای مردم توضیح دهند." نمونه دیگر اینکه، براساس گزارش خبرگزاری مهر، ۲۷ اسفندماه ۹۲، از "نشست مشترک مسئولان و برنامه‌سازان رسانه ملی با دست اندرکاران دولتی اجرای قانون هفتمندسازی یارانه‌ها"، محمد شریعتمداری، معاون اجرائی رئیس جمهور، پائین بودن سطح قیمت‌های حامل‌های انرژی در کشور را علت "مصرف بی‌رویه... در شهر و روستا" دانست و اعلام کرد: "رسانه ملی با تبیین اصل و ضرورت اجرای قانون هفتمندسازی یارانه‌ها... می‌تواند کمک شایانی به اجرای مطلوب آن کند." به نظر محمد شریعتمداری، کسانی که برای تامین معاش مسافرخشی می‌کنند، به "مصرف بی‌رویه" دامن می‌زنند. نمونه دیگر تر اینکه، در روز ۱۱ فروردین‌ماه، اسحاق جهانگیری، معاون اول رئیس جمهور، حذف یارانه‌ها را بخشی از سیاست‌های اقتصاد مقاومتی برشمرد و تحقق این سیاست‌ها را "نیازمند همراهی نخبگان، صاحبان قلم، نویسندگان و رسانه‌های گروهی" به‌منظور "تشریح و تبیین" آن‌ها برای مردم دانست. دلیل به‌کارگیری این همه ترفندها از سوی کارگزاران رژیم را در آگاهی مردم از قصد پلید واپسگرایان جمهوری اسلامی از زدن چنین ترفندهایی باید جستجو کرد. به‌طورمثال، باقر نوبخت، سخنگوی دولت، روز ۸ اسفندماه ۹۲، گفت: "دولت به قصد خیر بی‌حساب و کتاب پول توزیع نخواهد کرد." با این وصف، روحانی، مکرر، مثلاً در پیام نوروزی‌اش، بر تامین "امنیت غذایی اقشار محروم" تاکید می‌کند. در هفته‌های اخیر، کارگزاران دولت "تدبیر و امید" سعی به "تشویق" مردم به "خود اظهاری" و انصراف از دریافت یارانه نقدی کرده‌اند، ولی علاوه بر این اخیراً، برای دستیابی به هدف خود، به تهدید دریافت جرمیه از کسانی که در فرم‌های خوداظهاری اطلاعات غلط ارائه کنند از طریق "قانون" نیز متوسل شده‌اند. مثلاً روز ۹ فروردین ماه اسحاق جهانگیری گفت: "قانونگذار گفته دولت می‌تواند نیازمندان را مشخص کند و سقف نیازمندی را مشخص کند و بر این اساس اگر کسی که نیازمند نیست را از دریافت یارانه حذف کند."

با اینکه خود مسئولان تشکل‌های زرد کارگری با صراحت تأیید می‌کنند که کل اعضای سه تشکل کارگری رسمی و دولتی مجموعاً کمتر از یک درصد جمعیت کارگران ایران را دربر می‌گیرند، نمایندگان به‌اصطلاح کارگری منتخب از سوی این تشکل‌ها به خود اجازه می‌دهند در مورد حقوق کارگران و آینده کودکان آن‌ها تصمیم بگیرند. این نمایندگان به‌اصطلاح کارگری با شرکت در نمایش‌های سه‌جانبه‌گرایی رژیم ولایت فقیه، صحنه گذاشتن بر برنامه‌های اقتصاد نولیبرالی کلان‌سرمایه‌داران، و تبلیغ سازش طبقاتی، ضربه‌هایی جبران‌ناپذیر بر منافع طبقاتی کارگران کشورمان وارد می‌آورند. در ماه‌های اخیر، کارگزاران رژیم ولایت فقیه سعی به برجسته کردن موقعیت این به‌اصطلاح نمایندگان کارگری کرده‌اند. تنها راه مقابله با ترفندهای کارگزاران واپسگرای رژیم ولایت فقیه و حفاظت از منافع طبقاتی کارگران، مبارزه در راه احیای حقوق سندیکایی و تشکیل سندیکاهای مستقل کارگری است. حالا باید دید این نمایندگان به‌اصطلاح کارگری چگونه انتخاب می‌شوند. به یک نمونه از "انتخابات" در انجمن‌های صنفی در حکومت رژیم فقها اشاره می‌کنیم.

بنا به گزارش ایلنا، ۱۵ اسفندماه ۹۲، چهل نفر از اعضای مجمع کانون

## ادامه وظیفه بی‌درنگ کارگران و ...

معادل یک سوم خط فقر یک میلیون و ۸۰۰ هزار تومانی، ربیعی، وزیر کار دولت "تدبیر و امید"، "رای مطلق اعضا" و ناظران تشکل‌های زرد کارگری را "اعتقاد به گسترش اصل سه‌جانبه‌گرایی"، و "همدلی و همنشینی" آنان برای مرتبط کردن "موضوع بهره‌وری با مزد" را "نوعی اجرای فرمان مقام معظم رهبری... و نیز اجرای برنامه اقتصاد مقاومتی در کشور" توصیف کرد. باید خاطر نشان کرد که در نتیجه عملکرد طولانی مدت این به‌اصطلاح نمایندگان کارگری، بر اساس گزارش ۴ اسفندماه ۹۲ ایلنا، در بسیاری از واحدهای تولیدی کوچک و زیرزمینی، با کار روزانه بیش از ۸ ساعت در روز، "حقوق پرداختی معادل ۲۰۰ هزار تومان است." حالا باید دید ماهیت اقتصاد مقاومتی، که نمایندگان تشکل‌های زرد کارگری با "همدلی و همنشینی" بر آن صحنه گذاشتند، چیست؟

خامنه‌ای در روز ۲۰ اسفندماه ۹۲، با اشاره به نامگذاری سال ۹۲ به‌عنوان سال "حماسه سیاسی و حماسه اقتصادی"، حماسه سیاسی را عملی شده توصیف کرد، ولی برای تحقق حماسه اقتصادی، برداشته شدن "موانع مزاحم" از جلو راه "فعالان اقتصادی و کار آفرینان" را ضروری دانست. خامنه‌ای همچنین در پیام نوروزی‌اش نیز، "سیاست‌های اقتصاد مقاومتی" را "زیر ساخت فکری و نظری تحقق حماسه اقتصادی" خواند. حالا باید دید کارگزاران دولت "تدبیر و امید"، مانع‌های مزاحم و سیاست‌های اقتصاد مقاومتی را چگونه توصیف می‌کنند. روحانی در روز اول اسفندماه ۹۲، تبعیت خود از سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی و اجرای "بی‌درنگ" آن‌ها را اعلام کرد؛ اسحاق جهانگیری، معاون اول رئیس جمهور، در روز ۱۱ فروردین‌ماه ۹۳ "اجرای فاز دوم هدفمندی یارانه‌ها را... در راستای اقتصاد مقاومتی تعریف کرد." اما محمود عسگری آزاد، جانشین معاونت توسعه مدیریت و منابع انسانی رئیس جمهور، در روز ۲۴ اسفندماه ۹۲ به‌طورصریح‌تری تأکید کرد: "سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی دولت را مکلف به چابکی و افزایش بهره‌وری می‌کند." عسگری آزاد خصوصی سازی، افزایش سن بازنشستگی، و "ساماندهی سالانه ۱۵ درصد... نیروی قراردادی مازاد" - یعنی مؤلفه‌های مختلف برنامه اقتصاد ضدملی دیکته شده از سوی صندوق بین‌المللی پول - را "سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی" دانست. عبارت "ساماندهی نیروی کار" که از سوی دولت "تدبیر و امید" به‌کار برده شده است، همان "تعدیل نیروی کار" دوران احمدی نژاد و به‌معنای "اخراج نیروی کار" است. گسترش "مناطق آزاد" نیز یکی دیگر از برنامه‌های اقتصاد مقاومتی است، که به خارج کردن کارگران شاغل در این مناطق از شمول قانون کار، عملاً همه "موانع مزاحم" از جلو راه "کارآفرینان"، یعنی کلان سرمایه‌داران وطنی و خارجی برداشته می‌شود. به‌عبارتی دیگر، کارگران را به بردگانی بدون حقوق قانونی تبدیل می‌کنند.

به‌این ترتیب، اثرهای ویران‌کننده اجرای سیاست‌های اقتصاد مقاومتی را - که نمایندگان به‌اصطلاح کارگری با "همدلی و همنشینی" بر آن‌ها صحنه گذاشته‌اند - بر زندگی کارگران می‌توان به‌وضوح مشاهده کرد. روحانی و دیگر کارگزاران رژیم ولایت فقیه درحین افزایش وحشیانه قیمت کالاهای مورد نیاز زحمتکشان، به‌طور مکرر بر "شیب ملایم" افزایش قیمت‌ها و نیاز به حضور رسانه‌ها برای آماده سازی زمینه [برای افزایش قیمت‌ها] تأکید کرده‌اند. البته معلوم نیست با افزایش ۲۴ و ۲۰ درصدی بهای برق و آب در اسفندماه ۹۲ و افزایش ۲۰ و ۳۰ درصدی قیمت گاز برای مصارف خانگی و عمومی از اول فروردین‌ماه ۹۳ و یا "با آزاد سازی" بی که بنا بر گزارش ایلنا، ۲ فروردین‌ماه، که: "... بهای نان سنگک نیز از ۶۰۰ تومان به ۱۴۰۰ تا ۱۵۰۰ تومان خواهد رسید" چگونه می‌توان از "شیب ملایم" افزایش قیمت‌ها سخن به میان آورد. مثلاً روحانی چندین هفته بعد از آغاز اجرای بی‌رحمانه فاز دوم هدفمندی یارانه‌ها (حذف یارانه‌ها) - انگار که اجرای فاز دوم حذف یارانه‌ها هنوز آغاز نشده است - به‌طورمکرر بر آغاز اجرای فاز دوم هدفمندی یارانه‌ها تأکید می‌کرد، و از جمله در دیدار نوروزی‌اش با مسئولان دولت، بنا به گزارش خبرگزاری مهر، ۹ فروردین‌ماه، گفت: "اجرای مرحله دوم قانون هدفمندی یارانه‌ها را پیش‌رو داریم که البته با برنامه‌ریزی‌های صورت گرفته امیووریم که کار به درستی آغاز شود و با شیب نرمی که اجرای قانون برای افزایش قیمت‌ها اعمال خواهد کرد تأثیر ناگهانی و شدیدی در زندگی مردم بروز نخواهد کرد." به نظر کارگزاران دولت "تدبیر و امید"، اگر عبارتهایی مثل افزایش قیمت‌ها با "شیب ملایم" به‌اندازه کافی



سپس سندسازی و تخریب آن‌ها برای ساخت و ساز ویلاهای لوکس، و جاده‌سازی در برخی منطقه‌های حفاظت‌شده محیط زیستی مانند جنگل ابر، پارک ملی کویر، و سرخه‌حصار، جملگی از سوی رژیم اجرا شده‌اند، و اعتراض‌ها و مخالفت‌های هواداران محیط زیست و سازمان‌های مردم‌نهاد در رویارویی با این اقدام‌ها به‌جایی نرسیده‌اند و نمی‌رسند. بر این مسئله‌ها، سیاست قوه قضاییه و سپس ماندن رژیم در قبال شکارچیان غیرقانونی و دلال‌های داخلی و بین‌المللی قاچاق حیوانات را نیز باید افزود. قوه قضاییه در ماه‌های اخیر حاضر نشده است در مقابل تعرض قاچاق‌چیان مسلح به محیط‌بانان سازمان محیط زیست با قاطعیت واکنش نشان دهد. ده‌ها قاچاق‌چی که سررشته آنان به باندهای بین‌المللی متصل است، در پارک‌های ملی و منطقه‌های حفاظت‌شده آزادانه به شکار گونه‌های کمیاب حیوانات دست می‌زنند. ایسنا، ۷ اسفندماه ۹۲، در گزارشی، نوشت: «گوزن زرد و یوزپلنگ ایرانی در معرض نقص ژنتیکی و انقراض قرار دارند... مدیرکل دفتر موزه تاریخ طبیعی و تنوع زیستی سازمان حفاظت محیط زیست گفت، درحال حاضر برخی گونه‌های کشور به دلیل بحران‌های مختلف از جمله نابودی زیستگاه‌ها و کاهش جمعیت دچار مشکل ژنتیکی بسیاری هستند که آنها را آسیب‌پذیر کرده است... با تخریب زیستگاه‌ها و آسیب‌زدن [بخوان: شکار] جمعیت‌های حیات وحش، این روند شتاب گرفته است.»

عامل اصلی تخریب و نابود کردن محیط زیست کشور، سیاست و برنامه‌های واپس‌مانده و ضدملی رژیم ولایت‌فقیه است. تجربه، سیاست‌ها و عملکرد سران رژیم ولایت فقیه به دفعات اثبات کرده است که اینان برای محیط زیست و نقش آن در اکنون و آینده کشور اهمیتی قائل نیستند! برای حفظ محیط زیست باید سیاست‌های این رژیم را افشا و با آن مقابله کرد!

### ادامه وظیفه بی درنگ کارگران و ...

بازنشستگان شهرستان رباط کریم با ارسال نامه‌یی - که نام ۷ نفر از نامزدهای این دوره از انتخابات نیز در میان امضاء کنندگان آن بود- به رئیس کانون عالی بازنشستگان و مستمری بگیران کشور، انتخابات اخیر هیئت مدیره را «فاقدِ وجاهتِ قانونی» اعلام کرده‌اند. امضاء کنندگان اشاره کرده‌اند که بدون اطلاع رسانی مناسب به ۹ هزار عضو کانون، این دوره از انتخابات با حضور ۲۳ نفر، که شش نفر از این ۲۳ نفر از کاندیداهای قبلی بوده‌اند، برگزار شده است. جالب اینجاست که «همان اعضای قبلی برای دوره جدید انتخاب شده‌اند.» و موضوع تأمل‌برانگیز تر این است که، در حالی که به اعضا و حتی کاندیداها اعلام شده بود که انتخابات روز دوازدهم اسفندماه ۹۲ برگزار می‌شود، انتخابات را روز ۱۰ اسفندماه ۹۲ برگزار کردند.

رژیم ولایت فقیه و کارگزاران دولت «تدبیر و امید»، زیر لوای سیاست‌های ضد مردمی آزادسازی اقتصادی و اقتصاد مقاومتی، یورش وحشیانه و برنامه‌ریزی شده‌یی را به منافع طبقاتی کارگران و زحمتکشان کشورمان آغاز کرده‌اند. علاوه بر ارزان‌تر کردن نیروی کار کشورمان، مؤلفه‌های دیگر این یورش در بردارنده اجرای وحشیانه فاز دوم قانون هدفمند کردن یارانه‌ها (حذف شدیدتر یارانه‌ها)، تاراج اموال ملی و مردمی با عنوان خصوصی سازی، گسترش «مناطق ویژه اقتصادی» به منظور بهره‌کشی ستم‌گرانه از کارگران و زحمتکشان بدون حضور و اجرای قانون کار، گشودن کامل درهای کشورمان به روی انحصارهای امپریالیستی، یا به عبارتی دیگر، اجرای موبه‌موی سیاست‌های دیکته شده از سوی صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی به مقصد نزدیک‌ی کامل با «اقتصاد جهانی» ست. تنها راه رویارویی با یورش کارگزاران رژیم ولایت فقیه به منافع طبقاتی کارگران که هدف آن به اسارت درآوردن زحمتکشان است، احیای حقوق سندیکایی و سازمان‌دهی طبقه کارگر کشورمان در تشکل‌های مستقل کارگری است. از این روی، احیای حقوق سندیکایی که از خواست‌های فوری و امروز طبقه کارگر میهن ما است، با دیگرخواست‌های اساسی از جمله افزایش دستمزدها مطابق نرخ واقعی تورم، لغو قراردادهای موقت، حق اعتصاب و مخالفت با خصوصی‌سازی پیوند تنگاتنگ دارد. باید با دقت و هوشیاری پیوند میان این خواست‌ها با رویکرد احیای حقوق سندیکایی را در شعارها و اقدام‌های روزمره بازتاب داد و از این راه، جنبش اعتراضی پراکنده را سازمان داده و موقعیت جنبش سندیکایی موجود کارگران را تقویت کرد.

## تخریب محیط زیست: عامل اصلی را کجا باید جست‌وجو کرد؟



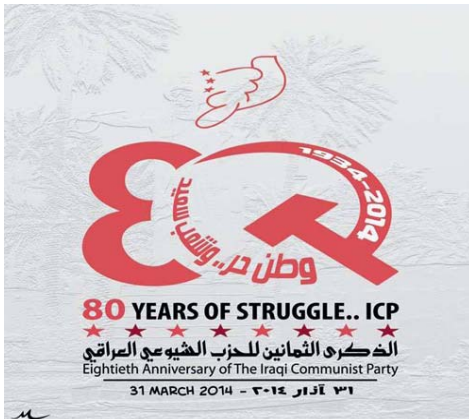
رژیم ولایت فقیه به دلیل ماهیت ناهمخوان آن با جهان معاصر و واپس‌گرایی ذاتی‌اش، برای محیط زیست و نقش آن در اکنون و آینده کشور اهمیتی قائل نیست!

وضعیت فاجعه‌بار محیط زیست کشور و ادامه تخریب آن برکسی پوشیده نمانده است. چندی پیش معاون محیط زیست دریایی سازمان حفاظت محیط زیست، در گفت‌وگویی با خبرگزاری محیط زیست [سبزپرس]، با اشاره به مرگ پرندگان مهاجر در دریاچه ارومیه، با صراحت یادآوری کرد که، آنچه نابودی دریاچه ارومیه، رود کارون، جنگل‌های بلوط زاگرس، و علاوه بر این‌ها، مرگ گونه‌های کمیاب جانوری و گیاهی ایران را در طول سال‌های اخیر سبب گردیده است، برنامه‌ها و طرح‌های غیرکارشناسانه سدسازی، جاده‌سازی، و خانه‌سازی در حریم رودها و منطقه‌های حفاظت‌شده محیط زیستی‌اند که بی‌توجه به سرنوشت و آینده کشور، از سوی دولت‌های مختلف جمهوری اسلامی به‌اجرا گذاشته شده‌اند. او گفت که، سدسازی [به‌وسیله سپاه پاسداران] یکی از تصمیم‌های غلط بود که به اختلال‌های زیادی در میزان ورودی آب به دریاچه [ارومیه] منجر شد. این مقام مسئول سازمان محیط زیست در خصوص وضعیت فاجعه‌بار زیست محیطی استان خوزستان، به‌ویژه رود کارون، نیز گفت که، سدسازی‌های بی‌رویه [به‌یاد داشته‌باشیم که: تمام این سدسازی‌ها به‌وسیله قراقرگاه خاتم‌الانبیاء سپاه پاسداران صورت گرفته‌اند و سودجویی مطلق انگیزه این ساخت‌وسازها بوده‌اند] روی رودخانه‌های منتهی به خلیج فارس، خصوصاً کارون، باعث شده‌اند تا آب ورودی به دریا کاهش شدید پیدا کند و در نتیجه، آب شور [از دریا] به رودخانه‌ها نفوذ کند.

علاوه بر این، روزنامه اعتماد، ۱ اسفندماه ۹۲، با هشدار درباره بحران آب در کشور، نوشت: «منابع آب تجدیدشونده کشور از ۱۳۰ میلیارد مترمکعب [به] ۱۲۰ میلیارد مترمکعب کاهش یافته است و این امر در آینده نیز تشدید می‌شود... وضعیت کنونی دریاچه ارومیه در بیشتر دریاچه‌ها و تالاب‌های کشور وجود دارد... در فاجعه زیست محیطی دریاچه ارومیه، اشتباه انسانی [بخوان: سودجویی سپاه پاسداران] سبب خشک شدن دریاچه شده است. دریاچه ارومیه از نظر سوق الجیشی [استراتژیک، راهبردی]، سیاسی و اقتصادی برای ایران حائز اهمیت است و حدود ۵ میلیون نفر در حوضه آبریز دریاچه ارومیه زندگی می‌کنند.»

فاجعه‌یی که دریاچه‌های مهم کشور مانند ارومیه، هامون، بختگان، و چندین دریاچه دیگر، با آن روبه‌رویند، در درجه اول به‌علت سیاست مخرب و بی‌توجهی رژیم ولایت فقیه به امر محیط زیست پدید آمده است. سدسازی، خانه‌سازی، تصاحب جنگل‌ها و پارک‌های ملی و





امر فقط با تغییر توازن نیروهای سیاسی در جامعه عراق به سود حامیان یک طرح ملی دموکراتیک تحقق پذیر است که خواستار برقراری یک دولت مدنی دموکراتیک بر اساس اصول شهروندی، آزادی‌های دموکراتیک و عدالت اجتماعی باشد...

رفقای عزیز، ...ما به روابط ویژه میان دو حزبمان افتخار می‌کنیم که در دهه های گذشته و در شرایطی که هر دو حزب در معرض سرکوب و ترور رژیم های ارتجاعی و ضدکمونیست متوالی قرار داشته‌اند، محکم‌تر شده است. ما بار دیگر به مناسبت ۸۰مین سالگرد تأسیس حزب کمونیست عراق به شما درود می‌فرستیم و بر عزم و اراده قاطع خود در راه گسترش و تحکیم پیوندهای برادرانه میان دو حزب تأکید می‌کنیم. برای حزب کمونیست عراق در مبارزه‌اش در راه برقراری یک عراق دموکراتیک، صلح‌آمیز، فدرال، متحد و استقلال آرزوی موفقیت داریم.

**کمیته مرکزی حزب توده ایران**  
مارس ۲۰۱۴

بخش‌هایی از پیام کمیته مرکزی حزب توده ایران به مناسبت

## ۸۰ مین سالگرد بنیانگذاری حزب کمونیست عراق

در ۱۱ فروردین ماه (۳۱ آوریل) حزب کمونیست عراق هشتاد ساله شد. کمونیست‌های عراقی و هواداران و دوستداران حزب یوسف سلمان یوسف (رفیق فهد) و حسین ال-رادی (رفیق سلام عادل) و شهدای نامدار مبارزه برای صلح، دموکراسی و سوسیالیسم در عراق به این مناسبت جشن‌های باشکوهی را در بغداد و شهرهای بزرگ عراق و همچنین در پایتخت‌های جهان برگزار کردند که در طی آن جنبه‌های مختلف مبارزه دشوار حزب در طول این هشت دهه مورد توجه قرار گرفت.

در بغداد در دو جشن بزرگ که با شرکت رفیق حمید مجید موسی و دیگر اعضای هیئت سیاسی حزب برگزار شد هزاران تن از اعضای حزب که پرچم‌های سرخ منقش به آرم حزب را تکان می‌دادند، به همراه چهره‌های برجسته هنری، ادبی، سیاسی و شخصیت‌های ملی شرکت کردند. به دعوت حزب کمونیست عراق نمایندگان حزب توده ایران در کشورهای مختلف و از جمله در سوئد، کانادا و انگلستان در مراسم ویژه ای که این مناسبت برگزار شد، شرکت و پیام‌های شادباش و همبستگی اعضا و هواداران حزب مان را ارائه دادند. از سوی کمیته مرکزی حزب توده ایران پیام تبریکی به مناسبت هشتادمین سالگرد حزب کمونیست عراق به رهبری حزب کمونیست عراق در بغداد ارسال شد. بخش‌هایی از این پیام مفصل در شماره ویژه ۱۱ فروردین ماه "طریق الشعب"، نشریه ارگان حزب کمونیست عراق منتشر شد.

رفقای گرامی،

خوشوقتیم که گرم‌ترین دروهای اعضا و هواداران حزب توده ایران را به مناسبت ۸۰مین سالگرد تأسیس حزب برادر کمونیست عراق به شما تقدیم می‌کنیم. به این مناسبت مهم و فرخنده، حزب توده ایران دروهای رفیقانه و انترناسیونالیستی خود را به حزب کمونیست عراق و از طریق شما به مردم عراق، و نیروهای میهن‌دوست و دموکراتیک آن کشور تقدیم می‌کند. در این ۸۰مین سالگرد فرخنده بنیانگذاری حزب شما، رفقای توده‌ای شما دروهای خود را به همه رفقای خود در حزب کمونیست عراق تقدیم می‌کند و برای آن حزب موفقیت و کامیابی در مشارکت و رهبری مبارزه مردم عراق در راه ایجاد یک عراق آزاد، مستقل و دموکراتیک آرزو دارند. این مناسبت را غنیمت می‌شماریم و از مبارزه فخرمانانه حزب شما در ۸۰ سال گذشته علیه دیکتاتوری‌های حاکم و تسلط امپریالیستی، در راه صلح و دموکراسی، و برای حقوق بشر و حقوق دموکراتیک و عدالت اجتماعی یاد می‌کنیم. شجاعت و دلاوری رهبران، کادرها و اعضای حزب شما که جان خود را در راه مبارزه برای صلح و استقلال و حاکمیت ملی در آینده عراق فدا کردند، الهام بخش نسل‌هایی از مبارزان در کشورهای دیگر منطقه بوده است.

در حزب توده ایران ما یاد همه رفقای جان‌باخته حزب شما، پسران و دختران شریف مردم عراق، رفقای نسل رهبران و فعالان قدیمی و باتجربه حزب شما مثل رفقا یوسف سلمان (فهد)، سلام عادل، زکی باسین، الشیبی، سعدون و کمیل شیاعه که یا توسط رژیم‌های دیکتاتوری اعدام شدند یا به دست عاملان تروریست و قاتل آنها کشته شدند را گرامی می‌داریم.

رفقای گرامی،

ما مبارزه حزب شما در راه زدودن میراث اجتماعی و سیاسی دهه‌ها دیکتاتوری و تجاوز و اشغال عراق توسط آمریکا و متحدان آن را پیوسته و به‌دقت دنبال می‌کنیم. مبارزه اصولی حزب شما در راه عیان کردن ریشه‌های بحران سیاسی جاری در عراق و ارائه گزینه‌های سازنده، چیزی است که عراق به‌شدت به آن نیاز دارد تا در یک دیکتاتوری دیگر، یک بحران اقتصادی دیگر، و وضعیتی بدتر از آن گرفتار نشود... در این ارتباط، حزب توده ایران از پیکار حزب کمونیست عراق برای برون‌رفت از بحران نظام مشارکت قدرت مبتنی بر گروه‌بندی‌های فرقه‌بی-قومی حمایت می‌کند. ما در این باور با شما همراهیم که این

### ادامه ضیافت گرانی ...

ریز و درشت در بوق و کرنا دمیده شد. سعید لیلاز، از چهره‌های معلوم‌الحال طرفدار نولیبرالیست، در مصاحبه با خبرنگاری تسنیم، ۷ فروردین ماه، تصویر روشنی از این سیاست ارائه می‌دهد و می‌گوید: "ما اقتصاد مقاومتی را اساس استقلال ایران می‌دانیم. اصلاً به‌نظر من استقلال بدون استقلال اقتصادی معنا ندارد و آن چیزی که مقام رهبری فرمودند، اسم آن اقتصاد مقاومتی است ولی نهایت فرمایش ایشان "استقلال اقتصادی" است... به‌نظر من اقتصاد درون‌زا، اقتصادی است که در چارچوب‌های اقتصاد آزاد حرکت می‌کند و دولت حداقل ممکن نقش را [در آن] دارد، نه‌اینکه اصلاً نقش نداشته باشد؛ نقش آن فقط جایی است که بخواهد نظارت و هدایت کند و آن زمانی که به‌اصطلاح بازار شکست می‌خورد. وقتی بازار شکست خورد دولت ناچار به دخالت [می‌آشود، اشکالی ندارد ولی این نباید داوطلبانه باشد و منجر به کوچک شدن بخش خصوصی شود، یعنی اتفاقی که در ۸ سال گذشته افتاد." هم‌زمان با آغاز به کار دولت روحانی نزدیک به دو دهه و نیم از زمانی می‌گذرد که سیاست‌های اقتصادی خانمان برانداز شروع شده است. در این فاصله زمانی مردم شجاع میهن هر بار که فرصت پیدا کردند سیلی محکمی به اجرا کنندگان این برنامه‌ها زدند. آثار شوم و مخرب این سیاست‌های ضد مردمی در طول سال‌های گذشته لطمه‌های جبران‌ناپذیری به خصوص به قشرهای آسیب‌پذیر وارد آورده است. نگاهی دوباره به گزارش روزنامه شرق در باره کارنامه دولت احمدی نژاد این سؤال را پیش می‌آورد که دولت کنونی قرار است چه سیاست متفاوتی را در رابطه با محروم‌ترین قشرها در پیش بگیرد؟ تمجید و تقدیر کارگزاران صندوق بین‌المللی پول جای هیچ‌گونه شک و شبهه‌ی را در ارتباط با پاسخ این سؤال نباید به‌وجود آورد. دولت روحانی با شکل و شمایل جدید قرار است همان سیاست‌ها و برنامه‌ها را اجرا کند. زحمتکشان میهن بار دیگر پیامدهای این برنامه‌های دیکته شده را با گوشت و پوست خود لمس می‌کنند. وضعیت زحمتکشان در دوران رفسنجانی، خاتمی و احمدی نژاد با فقر و شوربختی همراه بوده است. باید منتظر ماند تا کارنامه دولت روحانی هم در روزنامه‌ی در آینده انتشار یابد. دفاع و ستایش از برنامه‌های اقتصادی نولیبرالی به برون رفت از وضعیت وخیم اقتصادی کنونی کمکی نمی‌کند. مبارزه با این سیاست‌ها، وظیفه بی‌درنگ نیروهای مترقی است.

## ضیافت گرانی، ارمغان دولت تدبیر و امید

زمانی که انتخابات مهندسی شده ریاست جمهوری به پایان رسید، پیرامون انتخاب حسن روحانی از سوی کنشگران سیاسی در داخل و خارج از کشور موجی از توهم پراکنی برپا شد که در برپایی این موج نقش رسانه‌های امپریالیستی‌ای همچون بی بی سی، صدای آمریکا، و رادیو فردا بی تاثیر نبود. این رسانه‌ها، که پوشش‌های خبری شان را با سیاست دولت‌های متبوع‌شان میزبان می‌کنند، از این مسئله به خوبی آگاه بودند که تعیین مهره‌ی هم‌چون حسن روحانی از سوی ولی فقیه رژیم برای رسیدن به مقام ریاست جمهوری، گام نخست برای پیش‌روی به سوی هدف‌هایی است که در آن تأمین منافع دولت‌های غربی در آن لحاظ شده است. البته در این میان حاکمیت سرکوب که با اتخاذ سیاست‌های خانمان برانداز، ورشکستگی سیاسی و اقتصادی را موجب شده، و به تبع آن، وضعیت بسیار خطرناک و رقت‌باری را به اکثر مردم میهن‌مان تحمیل کرده است، تا اینجا کار توانسته است روزنه‌ی برای برون رفت از بن‌بست بحران موجود به وجود آورد. حزب ما از همان ابتدا به جای درغلطیدن با این موج، با تحلیل صحیح انتخابات و درپیش گرفتن سیاستی واقع‌بینانه اسیر این فضای توهم آلود نگردید. در این میان حتی نیروهای چپی که سابقاً حزب ما را به "سازش کاری"، "خیانت کاری"، "نگاه به بالا"، و "فرصت طلبی" متهم می‌کردند، اسیر این فضای توهم آلود شدند. متأسفانه به‌جز نیروهای سیاسی دغلباز و چپ‌های واژه که حتی در بعضی از مقاله‌های‌شان حضور مهره‌هایی همچون ربیعی، نوبخت، و زنگنه را نقطه فووت کابینه روحانی ارزیابی کردند، درحال حاضر حتی شاهد آنیم که شمار قابل توجهی از نیروهای سیاسی صادق، به‌خصوص در بین طیف ملی مذهبی، با عمده کردن خطر حمله خارجی و حفظ یکپارچگی ایران، مهم‌ترین مسئله‌های ریشه‌ای در داخل کشور را از نظر دور داشته‌اند.

روزنامه شرق، ۱۳ مردادماه ۹۲، در مقاله‌ی به بررسی آماری کارنامه دولت احمدی نژاد پرداخت، و در آن از جمله به افزایش ۴۰۰ تا ۷۰۰ درصدی حق ویزیت پزشکان و هزینه‌های سرسام آور درمانی، و سفت گرفتن تورم از حقوق معلمان و کارگران اشاره کرد. بر اساس همین گزارش، هزینه‌های ناخالص خانواده‌های شهری در سال ۱۳۸۴، شش میلیون و ۷۰۰ هزار تومان و در سال ۱۳۸۹ چهارده میلیون و ۱۶۶ هزار تومان بوده است. بنا بر گزارش شرق، کمی بیش از ۳۰ درصد از این هزینه‌ها به هزینه مسکن، آب، برق، گاز و سایر سوخت‌ها مربوط بوده است. گزارش شرق به موارد دیگری هم اشاره کرده است که ما از آن صرف نظر می‌کنیم. سالنامه شرق در آخرین روزهای سال نود نموداری را انتشار داد که در آن متوسط هزینه خانوار شهری کشور از سال ۱۳۷۰ تا ۱۳۹۱ افزایشی نزدیک به ۵۴ برابر را نشان می‌دهد. جالب اینکه این افزایش در روستاها ۶۵ برابر بیشتر بوده است. قیمت یک متر مربع مسکن در تهران در فاصله سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۰ حدود ۵/۱۸ برابر شده است. ۵ میلیون خانوار ایرانی اجاره نشین هستند. با استناد به آمار شرق که متوسط عده خانوار ایرانی را نزدیک به ۴ نفر اعلام کرده است باید اذعان کرد که حداقل ۲۰ میلیون نفر از زحمتکشان میهن‌مان بی مسکن‌اند. تبعات اجتماعی این وضعیت فاجعه بار در دیگر عرصه‌ها نمود مشخصی دارد. بر اساس گزارش شرق، جمعیت مردان و زنان بدون همسر بر اثر طلاق، نسبت به ۱۵ سال گذشته دو برابر شده است. در سال ۸۷ در مقابل هر ۱۰۰ ازدواج ۵/۱۲ طلاق در کشور ثبت شده بود، اما این میزان در سال ۹۱ به ۱/۱۸ درصد رسید. در فاصله سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰، عده زانی که تا ۵۰ سالگی ازدواج نکرده بودند ۷/۱ برابر و تعداد مردان ازدواج نکرده ۴/۱ برابر شده است. جمعیت زنان شاغل در سال ۱۳۸۴ چهار میلیون نفر بوده است که به تدریج از این تعداد ۹۰۰ هزار نفر از شمار زنان شاغل کاسته شده است. روزنامه آرمان، ۳۱ فروردین ماه ۹۲، نوشت: "بر اساس آمار جدید بانک مرکزی، نرخ رشد اقتصادی

کشور در ۹ ماهه سال ۹۰ نسبت به مدت مشابه قبل ۵/۱ درصد کاهش یافته که اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها دلیل این کاهش عنوان شده است. این گزارش که بانک مرکزی آن را منتشر کرده رشد اقتصادی کشور در ۹ ماهه نخست سال ۹۱ را با ۵/۱ درصد کاهش، ۴ درصد عنوان کرده است و در خصوص علت این کاهش عنوان کرده است که با توجه به آثار تعدیل‌کننده اجرای قانون هدفمند سازی یارانه‌ها در کوتاه مدت و میان مدت این موضوع قابل پیش بینی بود. خبرگزاری مهر، ۱۱ فروردین‌ماه سال جاری، "قیمت مواد غذایی به روایت بانک مرکزی" را انتشار داد که مقایسه‌ی است برای قیمت‌ها با هفته مشابه ماه قبل از آن. به‌عنوان مثال، در این گزارش آمده است که، در گروه میوه‌های تازه، قیمت پرتقال و هندوانه کاهش ولی بهای سایر اقلام این گروه بین ۲/۵ درصد تا ۶/۱۴ درصد افزایش داشته است. در این گزارش، قیمت گوشت گوسفند، گاو و گوساله و گوشت مرغ افزایش نشان می‌دهد. خبرگزاری مهر در همان روز گزارش داد که، بر اساس تصمیم هیئت وزیران، تعرفه‌های گاز برای مصارف خانگی به‌میزان ۲۰ درصد و برای مصارف عمومی به‌میزان ۳۰ درصد افزایش می‌یابد. خبرگزاری مهر، ۱۳ فروردین‌ماه، خبر داد که: "پس از افزایش قیمت برق و آب در اسفند ماه سال گذشته، از ابتدای فروردین ماه سال جاری بهای هر متر مکعب گاز طبیعی مشترکان خانگی هم حدود ۲۰ درصد توسط دولت تدبیر و امید افزایش یافت. ... پیش بینی می‌شود تا اردیبهشت ماه سال جاری دولت تدبیر و امید قیمت بنزین، سی ان جی و گازوئیل را هم افزایش دهد." خبرگزاری مهر، ۱۰ فروردین ماه، گزارش جدید مرکز آمار از بیکاری را انتشار داد که شمار بیکاران بیش از ۲ میلیون و ۴۰۱ هزار نفر اعلام شده است. بالاترین نرخ بیکاری مربوط به زنان گروه سنی ۲۰ تا ۲۴ سال با ۴۶/۸ درصد است. نکته جالب در گزارش مهر مقایسه آمار بیکاری از سال ۱۳۷۶ تا ۱۳۹۱ است. آمار رسمی اعلام شده بیانگر آن است که نرخ بیکاری در دوران مورد نظر بین ۱۰ تا ۱۴ درصد در نوسان بوده است. کارگزاران دولت فعلی بارها در اظهارات قبلی‌شان دولت احمدی نژاد را به دستکاری در آمارها متهم می‌کردند. استناد به گزارش جدید مرکز آمار که زیر نظر دولت فعلی اداره می‌شود، این سؤال را پیش می‌کشد که، آیا دولت فعلی همانند دولت قبلی اطلاعات غلط می‌دهد یا اینکه در رابطه با دولت احمدی نژاد سیاه‌نمایی می‌کند. ما معتقدیم احتمال اول به واقعیت بیشتر نزدیک است. خبرگزاری ایسنا، ۲۶ خردادماه ۱۳۹۲، یعنی زمانی که هنوز دولت احمدی نژاد مصدر کار بود، در خبری نوشت: "کریستین لاگارد، رئیس صندوق بین‌المللی پول در نامه‌ای از اقدام جمهوری اسلامی ایران در اجرایی کردن طرح "هدفمندی یارانه‌ها" تقدیر کرد و از این اقدام به عنوان الگویی مناسب برای بهره برداری سایر کشورها مخصوصاً کشورهای نفت خیز منطقه خاورمیانه یاد کرد." روزنامه خراسان، ۲۵ آبان‌ماه ۹۲، یعنی موقعی که دولت روحانی مصدر کار شد، نوشت: "گزارش صندوق بین‌المللی پول درباره اقتصاد ایران [که] بعد از سفر ۱۰ روزه کارشناسان این نهاد به ایران منتشر شد، پیش بینی می‌کند که رشد منفی اقتصاد ایران در سال آینده پایان می‌یابد و اقتصاد ایران رو به بهبود می‌رود." جالب اینکه در خبری که تهران امروز، ۱۴ مهرماه ۹۲ انتشار داد، نوشت: "علی طیب نیا وزیر اقتصاد در تازه ترین برآورد خود از اوضاع اقتصادی کشور گفته که مشکلات بسیار جدی است و اینکه خیال کنیم با حذف تحریم‌ها، گشایش کوتاه مدت رخ خواهد داد خیال باطل است." روزنامه ایران، وابسته به دولت در تاریخ ۲۴ اسفندماه ۹۲ خبر داد: "پس از ملاقات دکتر حسن روحانی رئیس جمهوری با کریستین لاگارد رئیس صندوق بین‌المللی پول زمینه ورود تیم کارشناسی این صندوق برای ارزیابی اقتصاد ایران بعد از دو سال فراهم شد. کارشناسان صندوق بین‌المللی پول آخرین بار در ژوئیه سال ۲۰۱۱ به منظور بازنگری کامل وضعیت اقتصادی از ایران دیدن کردند ولی پس از آن گزارش‌های این نهاد بین‌المللی از اقتصاد ایران متوقف شد، اما از ۵ تا ۱۹ بهمن ماه جاری تیم کارشناسی صندوق در سفر ۱۴ روزه خود به تهران با مسئولان دولتی ایران مانند معاون برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهوری، وزیر امور اقتصادی و دارایی، رئیس دفتر رئیس جمهوری، رئیس کل بانک مرکزی، وزیر دادگستری، رئیس هیات مدیره صندوق توسعه ملی و برخی از مدیران عامل بانک‌ها دیدار و گفت‌وگو کردند."

با اینکه به دلیل تعطیلات نوروزی و در نبود گزارش‌های رسمی و میدانی پیامدهای جدید این سیاست‌های خانمان برانداز هنوز به‌طور کامل ملموس نیست، اما به مدت زمان زیادی احتیاج نیست که نتایج مصیبت بار آن فشار باز هم بیشتری را به زحمتکشان میهن تحمیل کند. این گام‌های شناخته شده در برنامه‌هایی که به‌وسیله نولیبرال‌های اقتصادی تئوریزه می‌شوند و به مرحله عمل درمی‌آیند، در زمانی در حال اجرایی که هیاهو برای آن چیزی که اقتصاد مقاومتی نامیده می‌شود ابتدا از سوی بالاترین مقام حکومتی و سپس از سوی مهره‌های

## «نظم نوین جهانی» و افول آن

## پس لرزه‌های سازمان‌دهی کودتای براندازانه در اوکراین!

حمایت کشورهای عضو گروه‌بندی «بریکس» از دولت فدراسیون روسیه در جریان تحول‌های سیاسی مرتبط با تصمیم مردم شبه‌جزیره «کریمه» به پیوستن به این کشور، بازتاب‌دهنده این حقیقت است که «نظم نوین جهانی» ای که در پایان جنگ سرد در سال ۱۹۹۱ از سوی جورج بوش (پدر)، رئیس جمهوری وقت آمریکا، اعلام گردید، به شدت ضعیف و نخبه‌گرا شده است. ربع قرن پس از تدوین دکترین «قرن جدید آمریکایی» به وسیله محافظه کارترین محفل‌های قدرت در ایالات متحده با هدف ابدی کردن حاکمیت سرمایه‌داری نولیبرال، نشانه‌های جدی ظهور نظمی چندقطبی در عرصه سیاست جهان پدیدار شده است.

در هفته گذشته کشورهای «بریکس» - چین، روسیه، هندوستان، برزیل، و آفریقای جنوبی - به اتفاق آرا و به‌طور صریح از موضع روسیه در قبال تحول‌های اوکراین و تصمیم ولادیمیر پوتین به پذیرش پیوستن شبه‌جزیره کریمه به فدراسیون روسیه، حمایت کردند. گرچه چین در گذشته به‌طور محتاطانه، و هندوستان به‌طور جدی در این رابطه موضع‌گیری‌هایی کرده بودند، اما بیانیه رسمی گروه «بریکس» در هفته گذشته، در حاشیه اجلاس امنیت هسته‌ای در لاهه، در همبستگی با دولت روسیه، در بردارنده پیام مشخص و بی‌سابقه‌ای است. به نظر می‌آید که کشورهای بریکس اکنون به‌طور مشخص و محاسبه‌شده‌ای «نظم نوین جهانی» امپریالیستی را زیر علامت سؤال برده‌اند. وزرای خارجه کشورهای بریکس در بیانیه‌شان اظهارات جوی بی‌شاپ، وزیر امور خارجه استرالیا، را در رابطه با ممنوع اعلام کردن شرکت روسیه در نشست آینده «گروه ۲۰» در ماه نوامبر [۲۰۱۴] که استرالیا میزبان آن خواهد بود، فاقد وجاهت دیپلماتیک دانستند. بیانیه وزرای خارجه بریکس، با ابراز نگرانی نسبت به برخی تهدیدها و با بیان اینکه هیچ کشور عضو «گروه ۲۰» حق و اختیار آن را ندارد که به‌طور یکجانبه ماهیت و مشخصه این گروه را تعیین کند، نسبت به هرگونه اقدامی در جهت کنار گذاشتن روسیه از این ترکیب و یا اقدام به اعمال تحریم‌های تنبیهی بر ضد این کشور، اخطار داد.

بیانیه در ادامه تصریح می‌کند که، چنین برخوردهایی با قانون بین‌المللی، و از جمله اصول و ملاحظات منشور سازمان ملل، منطبق نیست. تحلیل‌گران آگاه هم‌سخن‌اند که، این بیانیه در کل و در جنبه‌های مرتبط با اجلاس آینده گروه ۲۰ «نشانه‌ی صریح و گویای آن است که غرب موفق نخواهد شد کل جامعه بین‌المللی را به تلاش در منزوی کردن روسیه به صف خود بپیوندد». نشانه‌های دیگر سخت‌تر شدن موضع‌گیری‌های کشورهای بریکس و برخوردشان با قطعنامه غیرالزام‌آوری بود که از سوی کشورهای غربی در روز ۱۴ فروردین ماه در اجلاس عمومی سازمان ملل مطرح شد. چین، هند، برزیل، و آفریقای جنوبی به همراه ۵۴ کشور دیگر به این قطعنامه رأی موافق دادند. رأی ۱۱ کشور دیگر از جمله روسیه، کوبا، ونزوئلا، و کره شمالی به این قطعنامه منفی بود. این بدان معنی است که بیش از یک سوم کشورهای عضو سازمان ملل (۱۹۳ کشور) از پذیرش موضع‌گیری‌های امپریالیسم در رابطه با چنین مسئله حساسی امتناع می‌کنند.

این واقعیت که کشورهای بریکس، با وجود تفاوت‌های مشخص سیاسی و اقتصادی، از روسیه در رویارویی این کشور با طرح‌های برتری طلبانه ایالات متحده و اتحادیه اروپا در قلمرو اتحاد جماهیر شوروی سابق حمایت می‌کنند، نمایشگر شکل‌گیری گرایش بین‌المللی‌ای مشخص در تقابل با طرح‌های امپریالیسم است. لازم به یادآوری است که، بیانیه وزرای خارجه بریکس همچنین ایالات متحده را در رابطه با جاسوسی و استراق سمع سایبری، که به وسیله ادوارد اسنودن افشا شده است، مورد انتقاد قرار دادند.

## قانونمندی حرکت کشورهای «بریکس»

بررسی اینکه چگونه و به چه دلایلی امپریالیسم از شرایط هژمونی بلامنازع خود در سال‌های نخست دهه ۱۹۹۰ به چنین نقطه‌ی در معادله‌های موازنه قدرت در سطح جهان رسیده است، برای هر نیروی ترقی‌خواهی می‌تواند مطرح باشد. حزب توده ایران در سندهای کلیدی‌اش و از جمله در طرح برنامه مصوب دشمن‌کنگ‌راش، به مسئله توازن قوا در

سطح جهان و ضرورت به‌وجود آمدن یک وزنه متعادل‌کننده قوا در برابر توان نظامی، دیپلماتیک، و اقتصادی کشورهای امپریالیستی، توجه ویژه‌ای کرده است.



حقیقت اینکه، رخ داده‌های دهه نخست قرن بیست و یکم برخی شالوده‌های «نظم نوین جهانی» اعلام شده از سوی نئونکان‌های آمریکایی در ۱۹۹۱ را به شدت لرزانده است و چالش‌ناپذیر بودن قدرت امپریالیسم را زیر علامت سؤال‌های جدی‌ای برده است. نیروهای ترقی‌خواه و مستقل پس از نزدیک به دو دهه عقب نشینی، در یک دهه اخیر با آرایشی جدید به میدان آمده‌اند و ناتوانی‌های سرمایه‌داری نولیبرال در حل معضله‌های اجتماعی، اقتصادی و طبیعی از دست محیطی‌ای را که از مقطع پایان جنگ سرد به این سو وخیم‌تر شده‌اند، به‌نمایش گذاشته‌اند. آن‌ها با اثبات اینکه ادعای سرمایه‌داری جهانی مبنی بر اینکه با پایان جنگ سرد، مسئله‌های بزرگ سیاسی و اقتصادی به‌تمامی حل و فصل شده‌اند، و نیز این ادعا که لیبرال دموکراسی و سرمایه‌داری بازار آزاد در نهایت پیروز شده‌اند و سوسیالیسم به تاریخ سپرده شده است، و از این پس مباحثه سیاسی به مقابله فرهنگی و به وجود آوردن تعادل میان مالیات‌ها و بودجه‌های اجتماعی محدود خواهد بود پایه عینی و واقعی ندارند، چالش تاریخی‌ای را در رویارویی با سرمایه‌داری در این دوره کلید زده‌اند.

در سال ۱۹۹۰، جورج بوش (پدر) شروع نظم نوین جهانی، بر اساس برتری نظامی بلامنازع آمریکا و سلطه اقتصادی غرب، را بشارت داد. به‌ادعای او، این جهان برای سرمایه‌داری جهانی تک قطبی و بدون رقیب بود، و قدرت‌های منطقه‌ای بانگ‌زیر در برابر امپراتوری جدید جهانی زانو خواهند زد. حتی ادعا شده بود که با پیروزی سرمایه‌داری بر سوسیالیسم، سیستم سرمایه‌داری ابدی شده است و در اساس ما به پایان تاریخ رسیده‌ایم.

اما در فاصله سال‌های بین حمله به برج‌های دوقلوی سازمان تجارت جهانی در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و سقوط بانک «لیمن برادرز» - چهارمین بانک آمریکا به‌لحاظ مرتبه در سال ۲۰۰۸ - «نظم نوین جهانی» امپریالیستی در عمل از هم پاشیده شده بود. دو عامل بسیار مهم در این امر تعیین‌کننده بودند: نخست اینکه، در پایان یک دهه جنگ مداوم، ایالات متحده آمریکا محدودیت قدرت نظامی‌اش را به‌نمایش گذاشته بود و مدل سرمایه‌داری نولیبرالی که در طول حیات یک نسل بدون رقیب بر اقتصاد جهان حکم رانده بود، در جریان عمیق‌ترین و گسترده‌ترین بحران دوران سرمایه‌داری سقوط کرده بود.

دوم اینکه، واکنش ایالات متحده به حمله تروریستی ۱۱ سپتامبر از راه محدود کردن آزادی‌ها و حقوق دموکراتیک مردم در کشورهای سرمایه‌داری، اعلام «جنگ با تروریسم» در سراسر جهان، و در نتیجه، مجاز دانستن خود به پایمال کردن قوانین بین‌المللی و منشور سازمان ملل و حمله نظامی به افغانستان و عراق و اشغال این کشورها، ایالات متحده و متحدانش را در جهان بسیار بی‌اعتبار کرد. ایالات متحده نه تنها در دستیابی به هدف‌های اعلام شده‌اش در جنگ با تروریسم شکست خورد، بلکه با عملکرد غیرقانونی‌اش زمینه رشد و گسترش بی‌سابقه تروریسم را در خاورمیانه، آسیا، و آفریقا فراهم کرد. مردم جهان به‌چشم خود و از طریق رسانه‌های عمومی کشورهای‌شان می‌دیدند و می‌شنیدند که کشورهای غربی که در طول دهه‌ها مخالفان و رقیب‌شان را به نقض حقوق بشر و حقوق دموکراسی متهم می‌کردند، اینک خودشان آشکارا حقوق بشر و حقوق دموکراتیک خلق‌های کشورهای جهان سوم را به‌خشن‌ترین شیوه‌ها نقض می‌کنند و در این راه از بی‌توجهی به نهادها و منشورهای بین‌المللی هیچ ابایی هم ندارند. عملکرد نیروهای نظامی ایالات متحده و متحدان ناتوی آن در عراق و افغانستان ضعف و ناتوانی آن‌ها را به‌روشنی ثابت کرد. این

تجربه، برای ایالات متحده و





و جانی تازه به  
تحرك اجتماعی این  
اقتدار محروم بدهد.  
اما در این میان هیچ  
تغییری به سود  
به اصطلاح طبقه  
متوسط صورت  
نگرفته است. چنین  
برداشتی وجود  
داشت که این  
طبقات متوسط  
زیاده خواه اند. اما

همه اینها- با در نظر گرفتن عوامل گوناگون- نیاز به ارزیابی مجدد دارد. ما دقیقاً نمی دانیم که تظاهرات این روزها به کدام سو می رود و چه پیامدها و نتایجی خواهد داشت. برزیل شاید در آستانه مرحله تازه‌ای از دگرگونی سیاسی باشد که مضمون آن عمیق شدن و گسترده‌تر شدن دموکراسی موجود، و مشارکت بیشتر مردم در سرنوشت خود است. اما اگر اجرائی اصلاحات سیاسی، که یکی از خواست‌های توده‌هایی بود که به خیابان‌ها آمدند، به دست نیروهای محافظه‌کار و غیردموکراتیک بیفتد، امکان دارد که دچار وقفه و پس‌روی جدی شویم.

**س: شما روز ۲۰ ژوئن (۳۰ خرداد ۹۲) اعلامیه‌ی صادر کردید و از فعالان حزب کمونیست خواستید که به خیابان‌ها بروند. آیا حزب در آغاز این جنبش در رابطه با آن نگرانی‌هایی داشت؟**

ج: همان‌طور که گفتیم، جرعه محرک این جنبش مبارزه مردم برای کاهش قیمت بلیط اتوبوس‌های شهری بود. پس از آن، شعله‌های جنبش اعتراضی به سراسر کشور کشیده شد و انگیزه‌ها و خواست‌های بیشتری پیدا کرد، به‌ویژه پس از آنکه نیروهای نظامی در سائوپولو به مردم حمله و آنها را سرکوب کردند. این سرکوب واکنش گسترده‌ی بی‌دنبال داشت، چون بسیار شدید و خشن بود. از آن زمان جنبش وارد مرحله دوم شد، که تأکیدش بر "حق اعتراض" بود. و امروز [در ژوئیه ۲۰۱۳- تیر ۱۳۹۲] این جنبش اعتراضی به یک جنبش مردمی با خواست‌ها و پرچم‌های بسیار گوناگون تبدیل شده است. حالا همه خواست‌ها شان را به خیابان‌ها آورده‌اند.

روشن است که در این جنبش گروه یا گروه‌های کوچکی نیز وارد شده‌اند- برخی با دیدگاه‌های راست افراطی- که می‌خواهند از این کلاه نمدی برای خود بدوزند، یا به معترضان مبارز حمله کنند، یا حتی از وضعیت آشفته موجود سوءاستفاده کنند و دست به آشوب و غارتگری و دزدی بزنند. ما این ناپهنجاری‌ها را عوارض جانبی این جنبش اعتراضی می‌دانیم. اگر نیروی سازمان‌یافته‌ی هم در پشت این خرابکاری‌های باشد، ما هنوز از آن اطلاعی نداریم.

به‌علاوه، ما می‌دانیم که عده‌ی هم هستند که خواهان بی‌ثبات کردن دولت‌اند. نوک تیز پیکان حمله آنها پیش و بیش از همه متوجه شخص رئیس‌جمهور است و در پی آنند که وضعی به وجود آورند که کشور در نظر مردم خارج از کنترل و بلبشو بیاید. به قول معروف، می‌خواهند از آب گل‌آلود ماهی بگیرند. این جهت‌گیری و موضعی است که بیشتر رسانه‌های بزرگ کشور در پیش گرفته‌اند و گروه‌های مخالف دولت نیز با آنها همراه شده‌اند چون می‌خواهند به مبارزه سیاسی علیه رئیس‌جمهور و تضعیف او دامن بزنند.

در عین حال، توجه به این نکته مهم است که برخی از مسائل مطرح شده توسط بخش‌های میانی جامعه ممکن است شبیه گفته‌ها و مواضع گروه‌های مخالف به نظر آید، ولی باید توجه داشت که خواست‌های این قشرهای میانی معقول و پذیرفتنی و برحق است. من در نشتی که با پرزیدنت دیلما و رهبران احزاب مؤتلف داشتیم، سؤالی را درباره این واقعیت مطرح کردم که در شهرها، به مرور زمان معضل‌ها و دشواری‌های زیادی پدید آمده است. شهرهای امروزی در یک بحران واقعی شهری دست‌وپا می‌زنند. مسئله فقط حمل‌ونقل شهری نیست، بلکه سطح و کیفیت زندگی- به‌ویژه در شهرهای بزرگ- به‌شدت افت کرده است. با توجه به این مسائل، حالا آسان‌تر می‌توان فهمید که چرا این تظاهرات آن قدر حساسیت طبقه متوسط را برانگیخت. این تظاهرات به‌درستی نمایشگر دشواری‌ها و معضل‌هایی است که مردم در زندگی روزمره‌شان در شهرها با آنها دست به‌گریبانند. اصل مسئله، وضعیت خدمات همگانی است که آن‌طور که باید و شاید نیازهای مردم را تأمین نمی‌کند. این خواست‌ها اکنون در دستورکار جنبش قرار دارند و دولت‌های فدرال و استانی و منطقه‌ی باید به آنها رسیدگی کنند. خیلی از این خواست‌ها نیاز به توجه و رسیدگی فوری دارد، و به بسیاری از آنها

صدر حزب کمونیست برزیل:

## لزوم اصلاحات ساختاری و تقویت دولت کنونی برزیل

مصاحبه نشریه پرنیسیپو با رناتو رابلو، صدر حزب کمونیست برزیل (PCdoB) درباره اوضاع سیاسی و وضعیت مبارزه سیاسی در آن کشور پس از تظاهرات سال گذشته در برزیل

این مصاحبه در دفتر مرکزی حزب در سائوپولو انجام شده است و به پیشنهاد دفتر روابط بین‌المللی حزب کمونیست برزیل برای اطلاع خوانندگان نامه مردم از ماهیت تحول‌های سیاسی در جریان در برزیل منتشر می‌شود.

رناتو رابلو در تحلیل تظاهرات سال گذشته در برزیل که کشور را تکان داد، به این موضوع اشاره می‌کند که برای موفقیت در مبارزه سیاسی جاری، اتحاد همه جناح‌های مترقی و مردمی امری حیاتی است. از دید او، این اتحاد تأثیر قابل‌ملاحظه‌ی بر مبارزه برای اصلاحات ساختاری دارد، اصلاحاتی که حزب کمونیست برزیل سال‌هاست برای انجام آنها تلاش کرده است. او می‌گوید: "این پیکار ماست، و ما آن را در مرکز فعالیت‌های خود قرار داده‌ایم."

**س: شما اخیراً نشست‌ها و گفتگوهای با پرزیدنت دیلما روسیف، با احزاب چپ و نیز در کمیته مرکزی حزب کمونیست داشتید. آنچه در دستور کار همه این نشست‌ها قرار داشت، ارزیابی تظاهرات مردم در ماه ژوئن (خرداد ۹۲) بود. اکنون، پس از این گفتگوها، ارزیابی شما از اوضاع سیاسی کنونی برزیل چیست؟**

ج: درک دقیق آنچه اتفاق افتاد، معمولاً در گرماگرم جنبش دشوارتر است. شاید با گذشت زمان بهتر بتوانیم تشخیص دهیم که ماجرا چه بود. اما آنچه روشن است اینکه عرصه سیاست کشور دستخوش اعتراض‌های شدید خیابانی شد، آن هم به طوری که مدت‌ها بود ندیده بودیم. اعتراض‌ها در آغاز به افزایش قیمت بلیط اتوبوس بود، اما خیلی سریع گسترش یافت و جنبه‌های بیشتری را در بر گرفت، از جمله خواست خدمات همگانی بهتر در عرصه‌های حمل‌ونقل شهری، بهداشت و درمان، آموزش و پرورش و غیره. مسائل دیگری از قبیل فساد نیز مورد توجه تظاهرکنندگان بود که شکل یک واکنش اعتراضی گسترده علیه احزاب، سیاستمداران، رسانه‌ها و به طور کلی همه نهادهای مدنی را به خود گرفت. به این ترتیب بود که برزیل تجربه یک وضعیت سیاسی جدید را آغاز کرد، وضعیتی ناپایدار که برآمد آن نامعلوم بود. خوشبختانه به واسطه شکل‌هایی که بسیج و حرکت توده‌ها به خود گرفت، جهت و مسیری که تظاهرات در آن پیش رفت، اکنون زیر ذره بین و مورد بحث و بررسی نقادانه قرار گرفته است.

در این روند تأمل بر تظاهرات و بررسی آنچه گذشت، ما باید به این نکته توجه داشته باشیم که در ده سال گذشته، مردم دستاوردهای مثبتی داشته‌اند، سطح آگاهی اجتماعی و سیاسی آنها افزایش یافته، و کشور در فضای دموکراسی تنفس کرده است. تظاهرات ماه ژوئن ثمره و میراث دهه گذشته است: مردمی که به پا می‌خیزند، و حاضرند که برای احقاق حق خود و برای برزیلی بهتر، مبارزه کنند. آنچه در خیابان‌ها شاهد بودیم گویای آن است که وقتی دستاوردهایی که بار می‌آید، دیگر نمی‌توان درجا زد و ایستاد، و انجام دگرگونی در کشور را باید شتاب داد.

برخی حتی می‌گویند که در این ده سال، یعنی در دوره ریاست جمهوری لویز ایناتسیو لولا داسیلوا و اکنون در ریاست جمهوری دیلما روسیف، دولت سعی داشته است به نیازها و خواست‌های پایگاه اجتماعی‌اش توجه و رسیدگی کند، چاره‌ی برای مسئله فقر بیابد، و نیازهای اساسی تهی‌دست‌ترین اقشار جامعه را برآورده کند

## ادامه صدر حزب کمونیست برزیل...

هم در میان مدت رسیدگی خواهد شد، چون نیاز به کار بایرنامه و سازمان یافته‌تری دارد.

**س: با توجه به اینکه جنبش در چند ماه گذشته چندپاره شده و نشانه‌هایی از سکون در آن دیده می‌شود، به نظر شما آیا هنوز توان پیشبرد تغییرهای بیشتر در آینده را دارد؟**

ج: به نظر من این تلاش همگانی در چند جبهه در حال پیش روی است. آنچه می‌تواند مضمون و جهت حرکت آن را تعیین کند، مجموعه جنبش اجتماعی، و به‌ویژه جنبش‌های اتحادیه‌یی و دانشجویی است که برنامه خاص خود را دارند و سال‌هاست که بر همان اساس عمل می‌کنند. اتحادیه سراسری دانشجویان (UNE) بر اساس کارپایه‌یی که تنظیم کرده بود- و به‌ویژه موضوع اختصاص ۱۰ درصد تولید ناخالص ملی به آموزش- تظاهراتی را در برازیلیا (پایتخت کشور) برگزار کرد تا از این راه بتواند دست‌کم توجه بخشی از جوانانی را که در تظاهرات کنونی شرکت دارند، به این موضوع و به جنبش جوانان و دانشجویان جلب کند. جنبش اتحادیه‌یی نیز تظاهراتی را تحت عنوان "روز ملی بسیج همگانی" برای روز ۱۱ ژوئیه (۲۰ تیر ۹۲) تدارک دیده است [این مصاحبه قبل از آن روز انجام شده است] که خواست‌های مطرح شده در آن همگی بر اساس کارپایه‌یی است که رهبری آن تعیین کرده بود. منظورم این است که تلاش همگانی اکنون دارد وارد این مرحله می‌شود که در آن، جنبش‌های اجتماعی به‌تدریج جای خود را پیدا و نقش خود را بازی می‌کنند. همان‌طور که پرزیدنت دیلما در صحبت‌هایش در تلویزیون به‌درستی اشاره کرد، لازم است که "از این نیروی مردمی به خیابان آمده، برای انجام تغییرهای بیشتری که به سود همه ملت است، بهره گرفت".

**س: در آغاز تظاهرات خیابانی، برخی از نهادهای اجتماعی که سابقه‌یی طولانی در مبارزه دارند نتوانستند ارتباط خوبی با تظاهرات اعتراضی برقرار کنند و حتی در مواردی دیده شد که مورد هجوم و آزار هم قرار گرفتند. نظرتان در این مورد چیست؟**

ج: این جنبش‌های توده‌یی عظیم در وهله اول جنبش‌هایی خودجوش‌اند. اما با گذشت زمان برنامه و کارپایه مشخصی پیدا می‌کنند و پیرامون موضوع‌های مشخص‌تری عمل می‌کنند. از دید من، در نهایت جنبش‌هایی که سمتگیری و تشکل سیاسی قدرتمندتر و بزرگ‌تری دارند، دست بالا را در جنبش خواهند یافت و موفق‌تر خواهند بود. حزب ما از زمانی که اعتراض‌ها آغاز شد تا کنون مشغول سازمان‌دهی سریع نیروهای خود، و بسیج اتحادیه‌ها و دیگر جنبش‌های اجتماعی بوده است. یکی از هدف‌ها این بوده است که این گردان‌های جنبش نه تنها طبق کارپایه‌های خودشان عمل کنند، بلکه بر پایه شعارهایی که بخشی از مبارزه ما بوده است و اکنون در جریان تظاهرات ترقی‌خواهانه روزآمد شده است، هدف‌ها و برنامه‌های مشترکی را در پیش بگیرند.

**س: بی‌تردید یکی از نتایج مثبت این تظاهرات، خواست انجام اصلاحات سیاسی بوده که اکنون در دستور کار قرار گرفته است. این خواست و برنامه‌یی است که حزب کمونیست برزیل مدت مدیدی در پی تحقق آن بوده است، اما در کنگره (مجلس قانون‌گذاری) مورد توجه قرار نگرفت. فکر می‌کنید اعتراض‌های خیابانی نیروی پیش‌برنده‌یی برای انجام قطعی این اصلاحات سیاسی خواهد بود؟**

ج: ارزیابی ما این است که یکی از مهم‌ترین جنبه‌های رخدادهای اخیر این بود که به‌روشنی نشان داد که آنچه ما در برنامه حزب در پی تحقق آن هستیم، یعنی ضرورت حرکت در جهت اصلاحات ساختاری، خواست مشخص همه مردم است. یکی از این اصلاحات ساختاری دقیقاً همان اصلاحات شهری و به‌ویژه مسئله حمل‌ونقل شهری است که آغازگر تظاهرات بود. سوای این، مسئله اصلاحات سیاسی است که یکی دیگر از خواست‌های جدی جنبش کنونی است. در برنامه حزب ما، در میان اصلاحات ساختاری لازم، از دموکراتیک

کردن رسانه‌ها و به‌روز کردن اصلاحات ارضی و مالیاتی نیز منظور شده است که برای کاهش نابرابری امری حیاتی است. این رشته اصلاحات که به نظر دور از دسترس می‌آمد، اکنون در پرتو تظاهرات اخیر حمایت توده‌یی یافته است. این روزها، و به ابتکار خود دولت، "اصلاحات سیاسی" به یک کلدوازه و شعار رایج تبدیل شده است. نباید این فرصت را برای اصلاح ساختار سیاسی و روند برگزاری انتخابات به شیوه‌یی بهتر و دموکراتیک‌تر از دست بدهیم. این موضوع اکنون مورد بحث و گفتگو است، جامعه هم اصلاحات سیاسی را ضروری می‌داند، و به اعتقاد ما نیز بحث و تصمیم‌گیری در مورد این موضوع لازم و سودمند است. در همین ارتباط، ما معتقدیم که برگزاری همه‌پرسی، که رئیس‌جمهور پیشنهاد داده است، راه خوبی برای تعیین مهم‌ترین هدف‌های مرحله‌یی اصلاحات است. کنگره ملی (مجلس) نیز تحت فشار است که به این امر گردن بگذارد. همه‌پرسی، پس از آنکه چندین بار در کنگره با مانع برخورد کرد، اکنون فضای سیاسی کشور را اشغال کرده است و به مسئله‌یی گرهی در میان مخالفان و رسانه‌ها تبدیل شده است. برخی‌ها علیه برگزاری همه‌پرسی موضع گرفتند و در مقابل این پیشنهاد را مطرح کردند که رأی‌دهندگان فقط در موافقت یا مخالفت با اصلاحاتی که کنگره تصویب می‌کند رأی دهند. استدلال آنها این است که مردم نمی‌توانند از پیش در مورد این موضوع پیچیده نظر بدهند. به‌علاوه، آنها سعی دارند این نظر را جا بیندازند و پیش ببرند که همه‌پرسی مستقیم راه‌گشایی است که رئیس‌جمهور برای "حاشیه رفتن" از این بحران پیدا کرده است. فشاری که برای جلوگیری از عملی شدن همه‌پرسی وارد می‌شود، خیلی زیاد است و حتی به خود نهادهای دولتی هم رسیده است. رسانه‌های بزرگ کشور و مخالفان دارند از فرصت سوءاستفاده می‌کنند و سعی دارند رهبری سیاسی رئیس‌جمهور را ضعیف نشان دهند و موعی از بی‌اعتمادی و بی‌باوری به توانایی او در رهبری کشور به راه اندازند.

حزب کمونیست برزیل همچنان از همه‌پرسی حمایت می‌کند. این موضع ما در نشست‌های کمیته ملی سیاست‌گذاری حزب، در دیدارها و تبادل نظرهای ما با رهبران احزاب و رهبران کنگره ملی (مجلس) تنظیم و تصویب شده است، و در نشست اخیر کمیته مرکزی نیز مورد تأیید قرار گرفت.

**س: آیا حزب کمونیست برزیل مشخص کرده است که در این همه‌پرسی از کدام گزینه حمایت خواهد کرد؟**

ج: ما چهار حزب چپ‌گرایی که ستون‌های اصلی دولت را تشکیل می‌دهیم (حزب کمونیست، حزب کارگران، حزب سوسیالیست، و حزب دموکراتیک کار) دیدارهایی با یکدیگر داشتیم و بر اساس توافق مشترکی که صورت گرفت، مواردی را که باید در اصلاحات سیاسی راهنمای عمل قرار بگیرد، مشخص کردیم. درباره تجدید فعالیت کارگروه مشورتی این احزاب- به نام "همایش دفاع از دموکراسی و همه‌پرسی"- نیز بحث کردیم. به‌علاوه، تصمیم گرفتیم که مشاوره در قالب "همایش" را به دیگر احزاب شرکت‌کننده در ائتلاف دولتی حاکم نیز گسترش دهیم، و از نمایندگان اتحادیه‌های کارگری، جنبش‌های اجتماعی و نهادهای اجتماعی مدنی نیز برای مشورت در این چارچوب دعوت کنیم، تا از این طریق بتوانیم اقدام‌های مشترکی در حوزه کارپایه‌های سیاسی و بسیج توده‌یی انجام دهیم.

به نظر ما همه‌پرسی باید به طور اخص بر دو مسئله اساسی در مورد اصلاحات سیاسی تمرکز کند: یکی نظام انتخاباتی- و دیگر مسائل مالی کارزارهای انتخاباتی. در این زمینه، ما خواهان آنیم که کارزارهای انتخاباتی فقط و منحصرأ از بودجه‌های همگانی [نه خصوصی] استفاده کنند، و انتخابات به صورت "تناسبی" باشد و احزاب فهرست‌هایی از نامزدهای خود را ارائه دهند. دو روز پس از دیداری که ما چهار حزب داشتیم، حزب سوسیالیست راه خود را جدا کرد و پیشنهادهای خودش را مطرح کرد، اما سه حزب دیگر همچنان با یکدیگر همکاری و مشورت می‌کنند و برای انجام اصلاحات سیاسی و برگزاری همه‌پرسی تلاش می‌کنند.

**س: آیا حزب کمونیست با چهار رهنمودی که رئیس‌جمهور دیلما در چارچوب "پیمان" مشترک گنجانده، موافق است؟**

ج: بله، ما داریم درباره آنها گفتگو می‌کنیم. تردیدی نیست که موضوع مسائل شهری- و به‌ویژه مسئله حمل‌ونقل شهری- که او آن را موضوعی عمده قلمداد می‌کند، مسئله‌یی است که ما باید به آن توجه کنیم. از این گذشته، او مسئله بهداشت و درمان، و آموزش و پرورش را نیز مطرح کرده است. روشن است در این عرصه‌ها مسائلی جدی وجود دارد که باید به آنها توجه و رسیدگی شود. اکنون تلاش‌هایی دارد صورت می‌گیرد تا خدمات بهداشتی و درمانی به عنوان یک ثروت و امتیاز عمومی همه مردم تلقی شود.

## ادامه صدر حزب کمونیست برزیل...

دسترسی به بهداشت و درمان را نمی‌توان فقط محدود به عده‌ی معدود کرد. در مورد آموزش و پرورش هم همین‌طور است. همه اینها در زمینه و چارچوب اصلاحات ساختاری صورت می‌گیرد. بنابراین ما از همه آنها پشتیبانی می‌کنیم.

**س: گفتید که خیلی زود است که بتوان ارزیابی قطعی و قاطعی از وضعیت سیاسی جاری کشور ارائه داد، اما در برداشت اولیه، فکر می‌کنید امکان دارد که دولت پرزیدنت دیلما قوی‌تر از قبل، از این جنبش بیرون بیاید؟ نظر سنجی‌های مقدماتی نشان می‌دهد که محبوبیت او کاهش یافته است.**

ج: ارزیابی ما این است که رئیس‌جمهور به‌موقع واکنش نشان داد و خیلی شفاف و روشن تلاش کرد تا روند سیاسی را مدیریت کند. برای مثال، در زمینه اصلاحات سیاسی، رهنمود او این بود که به حرف مردم گوش داده شود و با آنها صحبت شود. به این ترتیب او از همان اول کار، موضوع را به خیابان‌ها آورد. این ابتکار مهمی بود. او طرح‌های زیاد دیگری نیز داشت، مثلاً یک بودجه کلان ۵۰ میلیارد رئالی به حمل‌ونقل شهری اختصاص داد. در ارتباط با آموزش و پرورش، ما مسئله حق‌الامتياز را داریم که او به آن توجه داشته است و اکنون کنگره (مجلس) نیز بحث درباره آن را آغاز کرده است [اشاره است به استفاده از میلیاردها دلار حق‌الامتياز بهره‌برداری از نفت در آموزش و بهداشت و درمان]. همه اینها گام‌هایی است که نشان از ارتباط زنده دولت با واقعیت جدیدی دارد که کشور با آن روبروست.

اما نباید این عامل را از نظر دور داشت که روند فرگشت و تحول تغییرها در برزیل، برآمد تضادهایی است که در دو قطب عمده آن قرار دارند، یعنی در یک سو نیروهای محافظه‌کار و راستگرا که خواستار تأمین و حفظ نظام و مبارزات موجود خودشان‌اند، و در سوی دیگر نیروهای دموکرات، میهن‌دوست و مردمی که برای ایجاد تغییر پیکار می‌کنند. مبارزه سیاسی‌ای که در مسیر تدارک برای انتخابات سال ۲۰۱۴ (۱۳۹۳) آغاز و تشدید شده بود، اکنون با رخدادهای جدیدی که از اوایل ماه ژوئن (خرداد ماه ۹۲) پیش آمد، عمق و وسعت بیشتری پیدا کرده است. دشواری‌های موجود در عرصه اقتصادی، که بحران بزرگ سرمایه‌داری اخیر آن را وخیم‌تر کرده است، بر اثر فعالیت‌های مخالفان دولت دیلما شدیدتر هم شده است. این مخالفان در تلاش‌اند که مبارزه سیاسی علیه رئیس‌جمهور را تشدید کنند تا از این طریق اعتبار او را زیر علامت سؤال ببرند. با امارها و داده‌های اقتصادی - که البته بعضی‌شان منفی‌اند، ولی نه همه‌شان - بازی می‌کنند و آنها را وارونه و بدتر از آنچه است جلوه می‌دهند، تا سناریوی یک بحران دائمی را به پیش برند. این تلاش جناح‌هایی از حزب کارگران و دیگر احزاب شرکت‌کننده در ائتلاف دولتی که می‌خواهند فراخوان "دوباره لولا" را مطرح کنند، در این مقطع زمانی خطای فاحشی خواهد بود، چون به طور ضمنی به مفهوم ضعیف بودن رهبری سیاسی پرزیدنت است، و برعکس آنچه مطرح کنندگان این فراخوان فکر می‌کنند، به سود نقشه‌های مخالفان خواهد بود.

نیروهای مخالف دولت خودشان متوجه‌اند که علت اساسی جنبش اخیر را نمی‌دانند. خود آنها هم تا حدی منافع مشترک با جنبش دارند، اما می‌خواهند از این فرصت استفاده کنند و اعتراض‌ها را به سوی ریاست جمهوری متوجه کنند تا او را وادارند که در مقابل جنبش توده‌ی موضع بگیرد. اما رئیس‌جمهور - که در رهبری و موضع سیاسی‌اش هوشیار و مبتکر بوده است - تماس و تعامل با جنبش‌های اجتماعی را آغاز کرد. او همچنین با احزاب و با رهبران مجلس قانون‌گذاری و قوه مقننه نیز تماس گرفت و دیدار و گفتگو کرد، و با همه وزیرانش مشورت کرد. رئیس‌جمهور در دیداری که با احزاب شرکت‌کننده در ائتلاف دولتی داشت ارزیابی مختصر و مفیدی از این جنبش سیاسی ارائه داد و با دشتیاق پیشنهاد کرد که از این انرژی باید به سود پیشبرد یک روند سازنده بهره گرفت. تظاهرات برای او مهم است؛ وسیله‌یی است که مردم از آن برای بیان خواست‌های خود استفاده می‌کنند. او برگزاری تظاهرات را نشانه وجود دموکراسی کامل در کشور می‌داند. دولت به حرف‌های مردمی که به خیابان‌ها آمده‌اند گوش می‌دهد و مسلماً برای گرفتن این موضع دموکراتیک و پذیرنده،

محبوبیت بیشتری پیدا خواهد کرد.

## س: نقش ویژه رسانه‌ها را در این اوضاع چیست؟

ج: ما ساده‌انگار نیستیم. رسانه‌های عمده و حزب‌های مخالف دولت در این میان به دنبال وسیله‌ی هستند تا جهت اعتراض‌ها را علیه پرزیدنت دیلما بچرخانند. این رسانه‌ها در بازتاب دادن تظاهرات، نخست دنبال این بودند که جنبش را غیرقانونی و بی‌اعتبار معرفی کنند، اما وقتی متوجه شدند که می‌توانند بر طبقه متوسطی که به خیابان‌ها آمده بود تأثیر بگذارند، موضع‌شان را تغییر دادند و مردم را به برگزاری تظاهرات اعتراضی فراخواندند و زمان و محل تجمع‌های اعتراضی را منتشر کردند. خبرنگاران ضمن آنکه بر گستردگی حرکت توده‌ی تأکید داشتند، اما بیشتر تمرکزشان بر اقدام‌های خرابکارانه‌ی بود که اینجا دیده می‌شد. هدف این پوشش خبری جهت‌دار و مغرضانه این بود که یک احساس نامنی به وجود بیاورد و نشان دهد که نظم و کنترلی در میان جمعیت وجود ندارد. همین رسانه‌ها از قبل هم مشغول ارائه تصویری منفی در عرصه‌های سیاسی و ورزشی، تحریف اطلاعات یا ارائه اطلاعات ساختگی، و هیاهو و جنجال به راه انداختن دربارهٔ سانحه‌های مرگبار در جریان ساختمان استادیوم‌های ورزشی برای جام جهانی فوتبال ۲۰۱۴ و جام کنفدراسیون بوده‌اند. و حالا که تظاهرات خیابانی به راه افتاده است، آنها موضع دهشتناک خود را شدیدتر کرده‌اند.

**س: دولت از هر طریق ممکن از مطرح شدن موضوع "دموکراتیک کردن رسانه‌ها" جلوگیری کرده است. فقط احزاب چپ این موضوع را پیگیری کرده‌اند، ولی دولت از حمایت از آن خودداری می‌کند، چون خود را مورد تهدید رسانه‌های قدرتمندتر می‌بیند. با توجه به فضای تازه‌یی که در پی جنبش مردمی کنونی به وجود آمده است، آیا الان موقع مناسبی برای مطرح کردن دوباره "دموکراتیک کردن رسانه‌ها" نیست؟**

ج: ما وقتی از گفتگو با دولت دربارهٔ اصلاحات ضروری صحبت می‌کنیم، اصلاحات در ارتباطات نیز مورد نظرمان است. این موضوع یکی از رهنمودهایی بود که در دیدار چهار حزب پیشنهاد شده بود، و یکی از سرفصل‌هایی در دستورکار ماست که برای تحقق آن باید موقعیت دولت را تقویت کرد، چون در حقیقت مقاومت زیادی در برابر آن وجود دارد. توجه داشته باشید که در تظاهرات، مردم به سینه بیشتر گروه‌های ارتباطی و رسانه‌ی دست زدند. همین نشان می‌دهد که این جنبش چندان با نقشی که رسانه‌ها در برزیل امروز بازی می‌کنند موافق نیست. موضوع دموکراتیک کردن رسانه‌ها در دستورکار تظاهرات مردمی نیز است. به اعتقاد من اگر کار خوب پیش برود، ما می‌توانیم راهی برای بحث گذاشتن موضوع و یافتن راه‌هایی برای تحقق آن پیدا کنیم، همان‌طور که هم اکنون در بسیاری از کشورهای آمریکای لاتین در جریان است. به‌ویژه الان که ما از دیدگاه‌های متفاوت و گاه متضاد داریم دربارهٔ اصلاحات سیاسی بحث و گفتگو می‌کنیم، موقع خوبی برای مطرح کردن این موضوع است. اگر این بحث در شرایطی صورت بگیرد که رسانه‌ها دست بالا را دارند و حرف اول را می‌زنند، و جو مناسبی برای گفتگو وجود ندارد، پیشبرد این امر بسیار دشوار خواهد بود.

## س: چالش‌های مبرم و فوری پیش روی نیروهای ترقی‌خواه در این مقطع سیاسی جدید در کشور کدامند؟

ج: ما در نشست اخیر کمیته مرکزی حزب کمونیست برزیل قطعنامه‌یی را تصویب کردیم که فعالان حزبی را فرامی‌خواند که به خیابان‌ها بروند و به مردم پیوندند و انرژی تظاهرات را در راستای انجام تغییرهای ضروری در کشور جهت بدهند. آنچه را قبلاً گفتم تکرار می‌کنم: پیشرفت باید از راه انجام اصلاحات ساختاری صورت بگیرد. پیشنهاد "طرح توسعه ملی نوین" از راه اجرای اصلاحات ساختاری دموکراتیک که پیش از این دور از دسترس و "نشدنی" به نظر می‌آمد، در شرایط کنونی خواستی "مطلوب" شده و در دستور کار روز قرار گرفته است. این پیکار ماست، و ما آن را در مرکز فعالیت‌های خود قرار داده‌ایم.

من معتقدم که با توجه به وضعیت سیاسی کنونی، موضع‌گیری حزب منسجم و منظم بوده است؛ علاوه بر حمایت از اقدام‌های دولت، ما تلاش داریم نیروهای سیاسی و اجتماعی پیشرو را گرد هم آوریم تا همراه با هم بتوانیم در روند رخدادها تأثیر بگذاریم، جنبش را به سوی تغییرهای دموکراتیک و مترقی‌تری هدایت کنیم، نیروهای محافظه‌کار و راستگرایان را که در صدد ایجاد بحران و تضعیف موقعیت و مقام ریاست‌جمهوری‌اند افشا کنیم، و راه را برای بازگشت نیروهای مترقی و دموکراتیک به مرکز قدرت سیاسی باز کنیم. نباید از درک واقعی اوضاع سیاسی این لحظه غافل شویم؛ وضعیت تازه‌یی که پیش آمده است، می‌تواند رخدادهای سیاسی را به بیراهه بکشاند. باید مرزبندی‌ها را روشن و مشخص کرد. بنابراین لازم است که دولت و رهبری پرزیدنت دیلما را تقویت کنیم. رئیس‌جمهور ممکن است با وضعیتی روبرو شود که مجبور باشد ترکیب دولت و ائتلافش در کنگره (مجلس) را تغییر دهد.



## ادامه پاسخ های جورج ماوریکوس ...

## سازمان بین المللی کار چگونه است؟

**پاسخ:** فدراسیون جهانی سندیکاهای کارگری نمایندگی ای دائم در سازمان بین المللی کار، و همچنین در تمام سازمان های بین المللی مثل سازمان ملل متحد، یونسکو، و سازمان غذا و کشاورزی دارد که به وسیله آن ها، یعنی این نمایندگی ها، دیدگاه ها و موضع گیری هایش را در جهت نفع کارگران، در این سازمان ها ابراز می دارد. با این همه، ما در ارتباط با نقش سازمان بین المللی کار مبنی بر اینکه طرفدار کارگران نیست، بلکه حامی منافع دولت ها و کارفرماها است واقع بین هستیم. سازمان بین المللی کار، در بهترین حالت، به طور ساده خواست ها، برخی کلیات، و وعده هایی مبهم را عنوان می کند. مدت زیادی است که ما به سخنان دلپذیر این سازمان در ارج گذاری به شان کارگران، برابری، و حقوق دموکراتیک، و جز این ها، گوش کرده ایم، اما هیچ عملی در رابطه با حل مسئله ها و رفع مشکل های واقعی کارگران از سوی این سازمان انجام نگرفته است. برعکس، سازمان بین المللی کار و دفترهای منطقه ای آن از روند [انتخاب] نمایندگی ای متناسب و دموکراتیک از سوی سندیکاهای کارگری جلوگیری می کنند. همچنین، برای بخشی از جنبش سندیکایی (ای تی سی یو) در سازمان بین المللی کار امتیازهایی قائل می شوند و امکان هایی می دهند و برضد بخشی از جنبش سندیکایی و سازمان های وابسته به ما تبعیض روا می دارند. تا پایان گرفتن این رویکردها، ما به فشار آوردن به این سازمان ادامه خواهیم داد.

**پرسش:** فدراسیون و شما، یعنی دبیرکل آن، در چند نوبت از آزادی کارگران زندانی و سندیکالیست های ایران حمایت کردید؟ نقش فدراسیون در مقام مرکزی بزرگ و معتبر و شناخته شده سندیکایی در دفاع از حقوق سندیکایی و از جمله حقوق سندیکایی کارگران ایران چگونه است؟

**پاسخ:** کارگران و اتحادیه های کارگری در سراسر جهان با مشکل هایی مشابه به هم روبرویند که با [سیاست] ایبیکاری، اخراج از کار، کاهش دستمزدها، یورش به حقوق رفاه اجتماعی، و [افزایش] سن بازنشستگی مرتبطند. تجاوز به حقوق سندیکایی، آزار فعالان سندیکایی و نقض حقوق آنان، مسلماً با به کارگیری یک چنین سیاست هایی رابطه دارند. فدراسیون جهانی سندیکاهای کارگری از حق آزادی برای برپایی سندیکاهای کارگری در همه کشورهای دفاع می کند. میناق ۸۷ سازمان جهانی کار که از سوی بسیاری از کشورها تصویب و امضا شده است، نتیجه اقدام های جنبش سندیکایی طبقاتی و فدراسیون جهانی سندیکاهای کارگری است.

برای به واقعیت درآوردن آزادی سندیکاهای کارگری در همه کشورهای، همبستگی بین المللی و حمایت از مبارزه ملی کارگران هر کشوری می تواند، و باید، ادامه یابد.

## دولت کوبا در محضر مجلس ملی تضمین می کند که، استقلال اقتصادی کشور به حراج گذارده نخواهد شد.

کاماگوئه، کوبا - نمایندگان مجلس ملی از منطقه های کاماگوئه، لاس توناس، و سی یگو دآویلا، پس از کسب اطمینان از اینکه پیشنهاد تعدیل در قانون جدید سرمایه گذاری خارجی به هیچ روی نشانه به حراج گذاشتن کشور و یا بازگشت به گذشته نیست، آن را مورد تأیید قرار دادند. اعضای مجلس نمایندگان مردم، پیش از بررسی سند حقوقی و تصویب این برنامه پیشنهادی، به گزارش مفصل رودریگو مالمی برکا دیاز، وزیر بازرگانی و تجارت خارجی، درباره محتوا و اصول تغییرهای پیشنهادی، گوش فرادادند. به گفته وزیر بازرگانی و تجارت خارجی "در این برنامه، که هیچ نشانه ای از برگشت به گذشته وجود ندارد، تضمین ها و انگیزه های بیشتری برای سرمایه گذاری خارجی و جلب سرمایه ارائه می گردد که به هدف های توسعه پایدار و بهبود اقتصاد ملی کمک می کند، یعنی هدف هایی که امروز مفهومی راهبردی برای کشور دربر دارد". مشارکت سرمایه خارجی در راستای چندگونگی و گسترش صادرات، جایگزینی واردات، نوسازی، پایهریزی زیر ساخت ها و فن آوری نوین از راه اجرای پروژه های فراگیر سوق داده خواهد شد، که خطوط تولید همبسته با آن ها را پدید خواهد آورد. نمایندگان بر این نکته که قانون پیشنهاد شده در تناسب با خط مشی سیاسی و اقتصادی تصویب شده در کنگره ششم حزب کمونیست کوبا است که فرایند به روز کردن الگوی اقتصادی کشور را هدایت می کند، توافق داشتند. با وجود این، آنان بر این نکته تأکید کردند که، سند در رابطه با نظارت خارجی و داخلی که بر مؤسسه های اقتصادی بین المللی و سرمایه گذاری های مشترک حاکم خواهد بود بیان صریح تری باید داشته باشد تا اشتباهی را که در مذاکرات گذشته صورت پذیرفته بود تصحیح کند و از تکرار آن ها اجتناب ورزد. رودریگو مالمی برکا بر اهمیت تقویت جنبه هایی از قانون که به سود سرمایه گذاری خارجی، حمایت از اعتبار مالی کشور، و افزایش اعتماد سرمایه گذاران از طریق شفافیت، مقررات و انگیزه های روشن عمل می کند، تأکید کرد. در پاسخ به پرسشی از سوی ایولو جیو پیمنتال وزیر، نماینده منطقه نوئیتاس، چندین تن از حاضران بر اهمیت داشتن مجموعه ای از گزینه های به روز شده و دارای کیفیت بالا به منظور ارائه دادن به سرمایه گذاران علاقه مند در روند مذاکرات صحبت کردند، یعنی امری که همیشه در نظر گرفته نشده است. بر ضرورت مهارت و ویژه کاری تیم های مذاکره کننده در مؤسسه های کوبایی تأکید ویژه ای شد تا بر اساس خط مشی تصویب شده در مورد بخش های متفاوت، نیازها و ضرورت های پروژه ها، از جمله بررسی عملی بودن آن ها، به طور کامل درک شده و به آن ها پایبندی نشان داده شود. پیشنهادها، نگرانی ها، و تردیدهای نمایندگان در زمان برگزاری نشست در استان کاماگوئه در جلسه بعدی مجلس ملی مورد بحث بیشتر قرار خواهند گرفت، یعنی در نشستی که قرار است تصویب قانون مهم جدید را در دستور کار خود داشته باشد.

## کارزار کمونیست های هند بر ضد چندملیتی ها!

حزب کمونیست هندوستان (مارکسیست) همزمان با اعلام ورود تسکو (TESCO) - دومین فروشگاه بزرگ خواربار و کالاهای عمومی در دنیا - به بازار هندوستان، فراخوان خود برای بیرون راندن فروشگاه های بزرگ چند ملیتی از بخش خرده فروشان از سر گرفت. این فروشگاه زنجیره ای غول اسا اعلام کرد که، برای خرید ۵۰ درصد از سهام شرکت ترنت هایپر مارکت (Trent Hypermarket Ltd)، متعلق به شرکت تاتا (TaTa)، که ۱۲ فروشگاه زنجیره ای را در جنوب و غرب هندوستان می گرداند، ۸۵ میلیون پوند سرمایه گذاری خواهد کرد. از زمانی که دولت نولیبرالی هند به رهبری حزب کنگره در سال ۲۰۱۲ سرکار آمده است، نظارت بر عملکرد شرکت ها با مالکیت خصوصی کاهش یافته است که به ترس و نگرانی همگانی از تصرف بازارهای خرید و فروش نیازهای روزانه مردم هندوستان از سوی شرکت های خارجی، به خطر افتادن ۴۰ میلیون شغل، و روند خروج شتابان سودهای حاصل از کشور، دامن زده است. حزب کمونیست هندوستان (مارکسیست) در بیانیه انتخاباتی اش تعهد کرد که محدودسازی سست شده در مورد سرمایه های خارجی را دوباره برقرار خواهد کرد. رهبران حزب در سخنرانی ای انتخاباتی در دهلی نو، دولت را به دلیل افزایش بهای مواد غذایی و باز گذاشتن دست شرکت های سرمایه دار خصوصی در "چپاول منابع طبیعی کشور، از جمله زمین، تولیدات کانی، و میدان های گاز زیرزمینی" به شدت نکوهش کردند. پراکاش کارات، رهبر حزب، فساد "بی سابقه" در دستگاه دولتی هند را محکوم کرد و یادآور شد که، حزب ملی گرای راست افراطی وابسته به آیین هندو به نام بی جی پی (BJP)، که دیگر مخالف عمده دولت به شمار می رود، در رسوایی دست کمی از حزب کنگره ندارد. کارات گفت: "کشور را از بندوبست های سیاسی حزب های کنگره و بی جی پی باید رها ساخت."

حزب همچنان برپایی "سامانه توزیع غیر خصوصی همگانی" جهت فراهم ساختن تغذیه ارزان برای مستمندان، افزایش مالیات بر درآمد ثروتمندان و سود شرکت ها، و اختصاص دادن بودجه بیشتر برای بهداشت و آموزش را خواستار شد. حزب کمونیست هند (مارکسیست) واگذاری یک سوم کرسی های نمایندگی در استان ها و کنگره ملی به زنان و نیز الغای مجازات اعدام در کشور را خواستار گردید.



برای سازمان دادن مقاومت کارگران عرب، که مخالف طرح های امپریالیستی برای برپایی به اصطلاح "خاورمیانه نوین" اند، فدراسیون جهانی سندیکاهای کارگری موقعیت استواری در کشورهای عربی دارد. سازمان های مهم این کشورها عضو و دوستان

فدراسیون جهانی سندیکاهای کارگری اند. ما به راهمان در همان جهت، بیشتر کردن همبستگی با برادران هم طبقه مان در جهان عرب برضد تجاوز امپریالیستی، افشای پیگیر طرح و توطئه های نیروهای امپریالیستی، یعنی نیروهایی که در منطقه دشمنی به وجود می آورند، ادامه خواهیم داد.

### پرسش: مبارزات فدراسیون و دستاوردهای آن پس از آخرین گنگره - گنگره شانزدهم - چیست؟

**پاسخ:** گنگره شانزدهم اتحادیه های کارگری که با شرکت ۸۲۸ نماینده از ۱۰۱ کشور جهان برگزار شد، برای جنبش سندیکایی کارگری با جهت گیری طبقاتی رویدادی تاریخی بود. این گنگره، ماهیت باز، وسیع، دمکراتیک، مدرن، انترناسیونالیستی، و دارای جهت گیری طبقاتی فدراسیون جهانی سندیکاهای کارگری را باز می نماید. "پیمان آن" - مصوبه اصلی گنگره شانزدهم اتحادیه های کارگری - میراثی مهم برای جنبش سندیکایی بین المللی و ثمر تصمیمی جمعی، پخته، و دمکراتیک بود که تحلیل هایی مهم و به موقع در ارتباط با توسعه های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی ای که در مسیر منافع کارگران و زحمتکشان اند در خود متبلور کرده است. کنش پر ارج فدراسیون جهانی سندیکاهای کارگری در سطح مرکزی، منطقه ای، و ناحیه ای، تلاش برای متحد کردن کارگران با وجود داشتن ایدئولوژی، مذهب، زبان، و جنسیت متفاوت، و متحد کردن عموم مردم در مبارزه با بهره کشی سرمایه داری از آنان و مبارزه برضد امپریالیسم بوده است. رشد سازمانی فدراسیون جهانی سندیکاهای کارگری، که در پی آن بیش از ۸۶ میلیون تن در ۱۲۶ کشور جهان را پوشش سازمانی می دهد، یکی از نتیجه های این رشد است.

پرسش: فعالیت فدراسیون جهانی سندیکاهای کارگری در

### ادامه در صفحه ۱۵

## کمک های مالی رسیده

۱۰۰ یورو

به یاد رفیق ناصر شاهسون رفیقی از اسن

## پاسخ های جورج ماوریکوس، دبیر کل فدراسیون جهانی سندیکاهای کارگری، به پرسش های کمیته روابط سندیکایی ایران

پرسش: دورنمای کلی مبارزات سندیکایی را چگونه می بینید و ارزیابی می کنید؟

**پاسخ:** در مرحله کنونی، جنبش سندیکایی جهانی مسئولیت های عظیمی به عهده دارد و دارای پتانسیل قابل توجهی است. به طور کلی، با گرد آوردن نیروها در سطح ملی، منطقه ای، ناحیه ای، و جهانی، به طوریک پارچه و همبسته با یکدیگر، می توانیم به نتایج پرشماری دست یابیم. بنابراین، با بنای همبستگی بین المللی، مبارزه ملی مان را می توانیم تقویت کنیم. هدف اساسی ما، که به طور روزانه باید در مرکز مبارزات ما قرار گیرد، متحد کردن طبقه کارگر زیر لوای منافع اش، شرکت در نوسازی جنبش سندیکایی با تمام قوای مان، و هماهنگ کردن نیروهای مان در سطح ملی، منطقه ای، و ناحیه ای، برای تقویت ظرفیت مان است.

پرسش: بحران اقتصادی، و اثرهای آن بر وضعیت کارگران و جنبش سندیکایی، چیست؟

**پاسخ:** بحران مالی سرمایه داری، که در تمام کشورهای سرمایه داری پیشرفته به وقوع پیوست، شرایط زندگی طبقه کارگر را در همه جنبه های به طور چشمگیری وخیم تر کرده است. سرمایه داران و انحصارها در تمام کشورهای سرمایه داری و در تمام قاره ها، برای شتاب دادن به ابتکارهای ضد-کارگری که قبلاً تهیه دیده بودند، و در جهت کسب ارزش اضافی بیشتر، از بحران مالی استفاده کردند. از سطح بیکاری بالا برای تحمیل تروریسم دولتی و کارفرمایی، برای تحمیل سرکوب و افزایش بهره کشی از جوانان، به خصوص از کودکان طبقه کارگر و زحمتکشان، استفاده می کنند. سیاست هایی که دولت های سرمایه داری برای خروج از بحران در نظر گرفته اند، بدون در نظر گرفتن اسم یا ترکیب آن ها، و نیز پیش شرط اصلی نهادهای امپریالیستی جهانی، مزدها و حقوق های بسیار پائین، و کاهش دائمی مزدها و حقوق ها، با گرایش به رسیدن به کمترین مزد و حقوق در بازار جهانی است. همه این پدیده ها و گرایش ها را در تمام کشورها و قاره ها: آمریکا، اروپا، و آسیا، می توانیم مشاهده کنیم.

پرسش: جنبش سندیکایی امروز چگونه و نقش فدراسیون در دوران کنونی چیست؟

**پاسخ:** ما در مقام کارگر، جنبش سندیکایی با جهت گیری طبقاتی، فدراسیون جهانی سندیکاهای کارگری (دابلو اف تی یو)، وظیفه داریم که توطئه های استثمارگران را افشا کنیم، و کارگران جهان را با روحیه ی مشحون از مبارزه رزم جوانانه، انترناسیونالیسم، رویارویی پیگیر برضد جنگ های امپریالیستی، تقویت کنیم. در سال های اخیر فدراسیون جهانی سندیکاهای کارگری و اعضا و دوستان آن در نقاط مختلف جهان، دست به مبارزات مهمی زده اند و امر آن ها را به پیش برده اند.

لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر از ذکر هر گونه نام اضافی خودداری کنید.

آدرس های پستی: 1. Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany  
2. B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK  
http://www.tudehpartyiran.org آدرس های اینترنت و "ای-میل"  
E-Mail: dabirxhaneh\_hti@yahoo.de

**Nameh Mardom No. 944**  
Central Organ of the Tudeh Party of Iran

7 April 2014

شماره فاکس و تلفن  
پیام گیر ما

۰۰۴۹۳۰  
۳۲۴۱۶۲۷

حساب بانکی ما:

نام حساب: Iran e.V.  
بانک: Berliner Sparkasse  
کد بانک: 100 500 00  
شماره حساب: 790020580  
IBAN: DE35 1005 0000  
0790 0205 80  
BIC: BELADEBEXXX